



بها : ۲۵ ریال

دوشنبه ۲۷ آبان ۱۳۵۸

پیکار را بخوانید، در تکثیر و پخش آن بکوشید

- نگاهی بر مواد قانون اساسی (۳) در صفحه ۱۷
- اخباری از جنبش دانش آموزی در صفحه ۴
- اینست معنی پشتیبانی از "پابرهنگان" و "مستضعقان"؟ در صفحه ۱۱
- دولت به عناصر سرسپرده ساواک بجای کیفر دستخوش میدهد! در صفحه ۲۰

## اشغال هتلها : کاری انقلابی ، ابتکاری توده‌ای

در دوران انقلاب بود. پس از واژگونی رژیم شاه نیز این راه حل انقلابی همیشه از سوی نیروهای انقلابی و کمونیستها برای آشنا بقیه در صفحه ۲

مخادمه سرمایه ها و زمینهای بزرگ و امکانات حاصله از خون و رنج زحمتکشان که در انحصار سرمایه داران و زمین داران است یکی از اساسی ترین خواستههای توده ها

## درباره راهپیمائی روز جمعه

در صفحه ۳

## جنبش گاوگرمی

گزارشی از تصرف  
"خانه کارگر"

خبری از فاسترویلر

نفتگران مبارز،

در مقابل طرح کار پنجشنبه‌ها،  
همچنان مقاومت می‌کنند

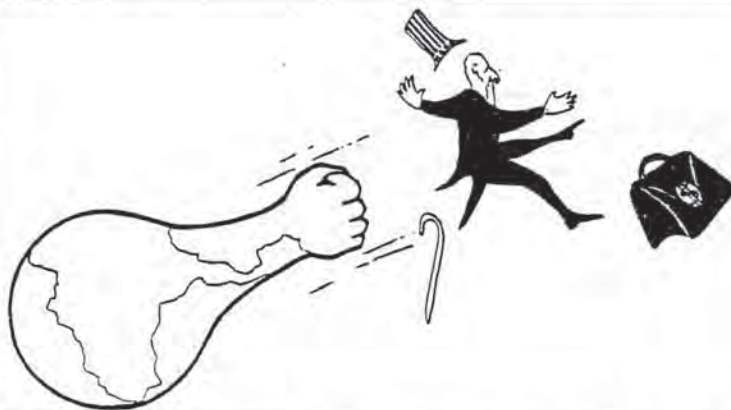
در صفحه ۲۴

## حزب توده مشاطه گر بورژوازی

در صفحه ۹

## درافشای سوسیال امپریالیسم شوروی (۴)

در صفحه ۷



"ولایت فقیه"

گشادترین کلاهی که

بسر مردم ایران می‌رود! (۴)

در صفحه ۵

## مرگ بر امپریالیسم آمریکا، دشمن اصلی خلقهای ایران

بقیه از صفحه ۱

## اشغال هتلیها ...

ساختن بیشتر توده‌ها به حقوق مسلم خویشی  
مستوان شده است. اما سیاستهای دولت ضد -  
انقلابی که چیزی جز دفاع از سرمایه داری  
وابسته و بزرگ و رودررویی با راه حل  
توده‌ای مسائل نیست. مانع از برآورده شدن  
این اهداف گردیده است. در حل مسئله مسکن  
سیاست هیئت حاکمه مبتنی بر جمع آوری مصادقات  
جهت خانه سازی و دیگر سیاستهای رفرفرمیستی  
و نیم بند بوده است که حاصلی جز مستم  
بیشتر برای زحمتکشان مینماید. اما  
در این میان توده‌های زحمتکش و بی مسکن  
ما نیز بیکار ننشسته‌اند. چندی پیش در تبریز  
ما شاهد معادله زمینهای بزرگ و هجوم به  
انبارها و منازلهای احتکارگران از جانب  
زحمتکشان بودیم و در تهران نیز در چند محله  
مردم دست به ابتکارهای مشابه زدند.

اما هفته گذشته روزهای اخیر، دانشجویان  
قهرمان چند دانشکده موج دیگری از حرکت  
روبا عطفی معادله توده‌ای را به نمایش  
گذازیدند. دانشجویان فائق مسکن چند محله  
محل را در تهران و شهرتاسها اشغال کردند  
و بار دیگر راه حل انقلابی و توده‌ای بحران  
مسکن را که تا محال از آن سخن رفته نشان  
دادند.

دانشجویان با اشغال محفانه و عادلانه  
هتلیها عملاً و بطرز انقلابی، حکم مریض  
داستان انقلاب اسلامی مبتنی بر تخلیه کلیه  
ساختهای معادله شده را پاره کردند و با  
اقدام خودبه خویش توده‌ها مسد تازهای  
بغبنه‌اند. اینگونه اقدامات که در آینده  
گسترش بیشتری خواهد یافت بیکار دیگر  
شکست برنامدهای رفرفرمیستی قدرت حاکم را در  
حل مسائل زحمتکشان که درست عکس خواستهای  
انقلابی توده‌ها میباشد نشان میدهد. در این  
راه علیرغم سنگ اندازیهایی روبرویونیستهای  
توده‌ای و مترجمین مذهبی (گنجه راه حل‌های  
"فاسونی" و "صبر کردن" را تبلیغ میکنند)  
توده‌های متحدیده و مبارز مابدون شک  
اینگونه اقدامات توده‌ای و انقلابی را با  
قاطعیت گسترش خواهند داد اما حتی بسرای  
لحظه‌ای فراموش نخواهند کرد که بحران مسکن  
تنها با مجموعه کاملی از عملیات برنامه -  
ریزی شده در جهت تامین مسکن در شهر و روستا،  
معادله کلیه محله‌های مسکونی خالی و متعلق  
به سرمایه داران بزرگ و وابسته به امپریالیسم  
و سمیده گرفتن امر اجاره‌دهی از طرف دولت  
- دولت نماینده زحمتکشان - و از همه مهمتر  
از بین بردن اختلاف بین شهر و روستا امکان -  
پذیر است. اقداماتی که تنها در جمهوری  
دمکراتیک خلق و اعمال حاکمیت خلقهای  
ایران تحقق خواهد یافت.

هرچه گسترده‌تر با ابتکار عمل انقلابی توده‌ها

## راهپیمائی روز جمعه

راهپیمائی همسنگی "امام و امت" که از  
سوی "قنبر ستار روحانیت" و قشریون جنگ -  
افروز به سرکردگی "حزب جمهوری اسلامی"  
ترتیب یافته بود، با استفاده از توهم و  
احساسات مذهبی توده‌ها با شرکت میلیون -  
ها نفر برگزار گردید. شک نیست که بسیاری  
از زحمتکشان ما که در چند ماهه اخیر به  
تجربه دریافتانند که هیئت حاکمه نمیتواند  
پاسخگوی مسائل آنان باشد، در این راه  
پیمائی شرکت نداشتند و شک نیست که با ز  
بسیاری از توده‌ها که به ماهیت ضد انقلابی  
دولت بازگان تاجدودی پی بردماند و لسی  
هنوز نمی توانند رابطه منطقی بین تمام  
جناحهای هیئت حاکمه برقرار کنند، و از این  
رو به غلط در وجود رهبری روحانیت،  
دنبال آرزو و آمال خویش میگرددند، در این  
تظا هرات شرکت داشتند.

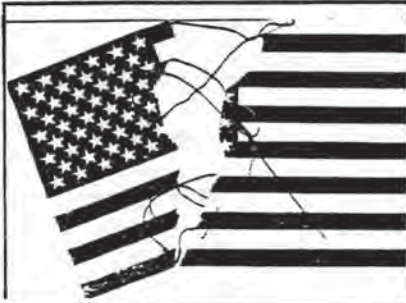
اما هدف برگزار کنندگان این راهپیمائی  
چه بود؟ مسئله این است که پس از لشکر -  
کنشی ارتجاع حاکم به کردستان، و گسترار خلق  
کرد، و مقابلا با یاری و مقاومت حماسه آفرین  
این خلق دلیر، پس از پویش به مطبوعات  
ترقی و سلب آزادی از آنان، پس از تهاجم  
به نیروهای کمونیست و سلب امکانات طنی از  
آنان، که عکس العمل و مقاومت این نیروها  
و هواداران آنها را باعث گردیده است،  
پس از تصویب اصل عقب مانده "ولایت فقیه"  
و بطور کلی رسوائی مجلس "خبرگان" و مسج  
مخالفتی که بر علیه آن بوجود آمده است،  
بالاخره پس از اوچگیری جنش بیکاران و...  
در طی یکی دو ماه اخیر، رژیم در گرداب  
عظیمی از سردرگمی و بحران فرو رفته است.  
برای نجات رژیم از این گرداب تلاشهای  
وسپعی از جانب نیروها و جریانهای مختلف  
صورت میگردد (نامه مجاهدین به امام در  
مورد کردستان، که در شماره قبل بدان  
اشاره کردیم، سخنرانی آقای احمد زاده در  
جهلم در گذشت آیت الله طالقانی از جمله  
این تلاشهاست)

راهپیمائی روز جمعه پاسخی بود که  
انحمارطلبان و قشریون مرتجع و جنگ افروز به

سرکردگی "حزب جمهوری اسلامی" به مسائل  
فوق دادند. آنها در این راهپیمائی  
نشان دادند که به اصول ارتجاعی و سیا -  
ستهای ضد انقلابی خویش وفادارند و هرگونه  
کمک نیروهای دمکرات مذهبی را رد میکنند.  
آنها بار دیگر خطکشی خود را با این نیروها  
برخ کشیدند و نشان دادند که حاضر نیستند  
در حال حاضر سهمی دلخواه به این نیروها  
بدهند.

آنها ضمن اینکه بار دیگر دشمنی و نفرت  
خود را به طبقه کارگر با شعارهای ضد کم -  
نیستی نشان دادند حمایت خود را از اصل  
ارتجاعی "ولایت فقیه" (۱) و راه حل جنگ  
در کردستان (۲) با عنوان "پاکسازی منطقه"  
اطلام کردند. و به نیروهای دمکرات مذهبی  
بشدت حمله کردند و آنها را "توطئه گر" (۳)  
نامیدند (و این در حالی بود که دکتر بهشتی  
و قبحانه از نیروها و کسانی که مخالف  
هستند و نظر دارند، درخواست میکرد که  
بیایند و بشنوند و حرفهایشان را بزنند!)  
نیروهای دمکرات مذهبی با درک درست  
از مقاصد ارتجاعی و ضد انقلابی ترتیب -  
دهندگان این تظا هرات در آن شرکت  
نکردند. اما حزب توده با شرکت خویش در  
این تظا هرات عملاً برنات شوم و ارتجاعی  
"حزب جمهوری اسلامی" و هندستان وی  
صحه گذاشت و در پویش "همسنگی با امام"  
عملاً بر "ولایت فقیه" بر راه حل جنگ در  
کردستان (که حتی با راه حل ادعای اش  
جو در رنی آید) و حمله به نیروهای  
دمکرات مذهبی صحه گذاشت!!

(۱) - ما بار دیگر پیوند ناگسستنی و  
سیمت و ارتباط قلبی و عینی را با امام است  
تاکید کرده و تبعیت از رهبری وی بر اساس  
اصل ولایت فقیه را تا آخرین قطره خونمان و با  
تمامی امکانات و توانمان اعلامی نمائیم.  
(۲) - ... از خواهران و برادران غیور  
کرد انتظار داریم هنگان با برادران پاسد -  
ار و ارتشی به پاکسازی منطقه بپردازند.  
(۳) - ما انزجار خود را از توطئه‌های  
اشخاص و گروه‌های که مقاصد خود را در  
پویش دلسوزی برای امام اعمال میکند امرا ز  
مباریم. (قطعنامه راهپیمائی)



## منتشر شد:

جنبش دانشجویی و  
مسئله "دانشجویان مبارز"  
از انتشارات سازمان بیکار  
در راه آزادی طبقه کارگر

# کار برای کارگران، زمین برای دهقانان

## اخباری از کردستان

### مهاباد

شب ۵۸/۷/۲۱ پیشمرگان به ژاندارمری مهاباد حمله کردند. ارتش ژاندارمری اطلاعاتی در دست نداشت. صبح روز بعد تمام مدارس و همچنین بازاری و مراکزها تعطیل شد. در همین روز نظامی‌ها از طرف دانش‌آموزان بر سر گزارشده. نظامی‌ها کشته‌شدگان عکس‌های از عزالدین حسینی در دست داشتند.

■ در روستای "اصحابه‌سی" که در نزدیکی مهاباد واقع است، مزدوران قباده موقت همراه با ارتش و پاسداران در کشتار خلغ کرد عملاً شرکت دارد.

### مهاباد در دست خلق است

■ بدست‌یال درگیری شدیدی که از ظهر روز پنجشنبه ۲۶ مهر آغاز شد و طی آن چند تن از پاسداران کشته و ارتش و کلاه سبزها و اداوار به عقب‌نشینی گشتند. روز جمعه ۲۷ مهر اثری از اشغالگران دیده نمی‌شد و شهر در دست پیشمرکه‌ها بود. ساختمان هنگ ژاندارمری و همچنین خانه جوانان به آتش کشیده شد. و یک خودروی نظامی توسط انقلابیون خلغ صلاح گردید.

به نقل از خبرنامه کردستان - شماره ۹

### سنندج

یک گردان از نظامیان که به سنندج اعزام شده بودند، بعد از آنکه از آنها خواسته شد که به سرودن ترانه دریا دگان دست بکشند زده و از رفتن به سرودن خودداری کردند. نظامیان هنوز در حال تحمیل بر می‌برند. "روزندگان خلق" گروهی که اخیراً فعالیت خود را با اشغال کردستان تشدید کرده، طی اعلامیه‌ای گروهی از جانشینان و در رأس آن مفتی زاده را به اعدام محکوم کرده است. این گروه مسئولیت تعدادی از انفجارهای سنندج را بعهده گرفته است.

۵۸/۷/۲۶ شبی از پیشمرگانی که در دست پاسداران اسیر بودند در زیر شکنجه آنان به شهادت می‌رسند. پاسداران سپس تیرهایی به ضد آنان شلیک می‌نمایند و انموده می‌کنند که این افراد در درگیری به قتل رسیده‌اند. مردم سنندج پس از اطلاع از این موضوع به راهپیمایی و اعتراض بر می‌خیزند. ساعتی بعد از اتمام راهپیمایی یک خودرو حاصل پاسداران محلی (جانشین مفتی زاده) از خیابان شاپور سابق عبور می‌کنند که پس از بجای ۸ ساله آنها را به شمشیر گرفته و

۵۸/۷/۱۷ ساعت ۸/۵ صبح یکی از پاسداران سوار بر یکی از خودروهای کمیته در خیابان ششم سیم سابق با سرعت زیاد یک دختر محصل دوره راهنمایی بنام "مرسته زند کرمسی" اهل ملایر را زیر گرفت که پس از خوشبختی مغزی جان سپرد. مردم پاسدار را دستگیر می‌کنند و متوجه می‌شوند که او بی‌گناه است و به وحشیانه دست‌نهاد شده و نمی‌تواند روی پای خود بایستد. در اتوبوس محصل این پاسدار دویتری مشروب پیدا شده‌ها خوانده مقتول شکایتی تسلیم دادستانی مینماید.

### مهاباد

طبق گزارشهایی که از منابع موثق بدست ما رسیده است، سروان پارچانی رئیس شهرداری مهاباد بدست پاسداران مقتول رسیده است. طبق همین گزارش ۵ گلوله از اسلحه کلت از فاصله یک متری به ناحیه شکم او شلیک شده است. قبلاً از مهاباد گزارش شده بود که پاسداران سروان پارچانی را به عدم کفایت و عدم قاطعیت نسبت به حلات پیشمرگان متهم کرده بودند. همچنانکه خبر داریم "سرهنگ فراشاهی" فرمانده هنگ سقر نیز به همین جرم بدست پاسداران به قتل رسیده است.

۱۳ نفر از افسران، درجه‌داران پادگان مهاباد با نوشتن استعفانامه تسلیم آن به فرمانده پادگان از حاضر شدن بر سر کار خودداری کردند. این عده که در میان آنها یک سرگرد، دو سروان و چند ستوان و درجه‌دار بد می‌شوند در استعفا نامه خود قید کردند روزی که به کردستان آمدند فکر میکردند برای سرکوب اسرائیلی‌ها و عوامل پالیزیان می‌روند ولی اکنون که آنها را در برابر مردم ساز کردستان قرار دادند حاضر نیستند بروی هموطنان خود اسلحه بکشند. آنها در استعفانامه خود مردم کردستان را شریفترین و آگاهترین انسانها معرفی کرده‌اند. آنها خود را آماده پذیرش عواقب استعفا کرده‌اند.

اخیراً ۱۵ میلیون تومان و ۶۰۰ قیضه اسلحه از طرف نخست وزیر به پشیمانان چمران به افراد قباده عوت داده شده که در درگیریهای کردستان با طرفداری از پاسداران و ارتش وارد جنگ شوند. گفته می‌شود در سفر دو هفته پیش ادیس باستانی به قم وی قول دریافت هزار قیضه تفنگ و ۶۰ میلیون تومان پول را گرفته است.

### سنندج

دانش‌آموزان دبیرستان مستوره اردلان روز ۵۸/۷/۲۶ بعنوان اعتراض به اخراج یکی از معلمان بنام محمد مدیق زمان در محصل دبیرستان متحصن می‌شوند.

تیرباد می‌زنند جانشینان، جانشینان و فرار می‌کنند. مردم او را پنهان می‌کنند. پاسداران پیاده شده و بطرف مردم تیراندازی می‌کنند که ۹ نفر مجروح و ۲ نفره‌ها به شهادت می‌رسند. کشته شدگان کودکی ۲ ساله و کارگری از محله فقیرنشین، عباس آوا بوده است.

۵۸/۷/۲۷ دو نفر از زخمی‌شدگان روز قبل در بیمارستان جان می‌سپارند. یکی از آنها "اکبر محمدیان" ۲ ساله است. عده ای از مجروحان عارضه از ایران و بسیاری اسد حجازی، افغانه حسینی، صیب‌الله فرسی، محمد شریف غریبی و قاطعه میرزائی.

در همین حال پرسنل شهر باستانی بعنوان اعتراض به شصتد ۱۵ نفر از افراد خودکجه به جانب مردم تیراندازی نکرده‌اند در شهر. باقی تصح کردند. مدارس نیز در اعتراض به شصتد ۱۲ مسلم که یکی از آنها از مبارزین ان روشناس سنندج "سعید شیخ الاسلامزاده" است. اعلام کرده‌اند که از روز شنبه در مدارس متحصن خواهند شد. همچنین در نظر هرات دوروز اعتراض مردم از تزلزل و میدان پشیمانانی شده است.



برقرار باد خود مختاری خلقها در چهارچوب ایرانی مستقل و دمکراتیک

اخباری از:



جنبش دانش آموزی

موضوع انشاء امسال:

هرکس اعتراض کند،  
ضد انقلابی است

تهران

صبح روز شنبه (۵۸/۷/۲۲) گروهی از دانش آموزان دبیرستانهای سخت جنبش، فردوسی و ولی الله تصرفی قرار قبلی از جلو دبیرستان ولی الله تصرفی به نظرات می زدند، زهان ابتدای حرکت یک ماشین از افراد کمپنه مثلا برای حفظ نظم بهت سرانجام حرکت میکنند. نظا هرکنندگان که مفسون خواستهایشان، لغو شریعه، انحلال مدارس خصوصی، اخراج مدیران ارتجاعی، جلوگیری از اخراج معلمین آگاه و مبارز، آزادی فعالیت صبا سی در مدارس، تشکیل شوراهای واقعی دانش آموزان، حق اعتصاب و نظرات برای دانش آموزان و... میبود طرف دبیرستانها و مشتریانها. او را حرکت میکنند، با وجودیکه مدیر مدرسه با بستن دروازه از خروج دانش آموزان میشود، اما با فشاری آنها او را به ناچار تسلیم میکنند و مدرسه باز میشود. دانش آموزان با پیوستن به دوستانشان بطرف دبیرستان خوارزمی میروند. در جلو دبیرستان، کمیته چپ ها از بستن گوی ماشین خود میگویند: "مردم! دانش آموزان! اینها ضد انقلابی اند، به آنها حلق نشوید!" و این در حالیکه دانش آموزان شعار میدهند: "شریعه مدارس الفبا باید گردد". در این موقع عده ای از دانش آموزان دبیرستان خوارزمی، بی توجه به حرفهای افراد کمیته با پریدن از روی نرده ها به آنها می پیوندند. دانش آموزان در ادامه نظرات خود بطرف خیابان آزادی میروند ولی قبل از رسیدن به خیابان آزادی افراد کمیته چند نفر از دانش آموزان را دستگیر میکنند. بقیه در حالیکه متفرق میشوند، میگفتند: "مال قبل در همین موقع نظرات خیابانی ما مورد حمله و خرابی است" افراد مسلح رژیم مزدور شاه قرار میگرفت، و امسال افراد مسلح کمیته دولت به اصطلاح انقلابی مداخله میکنند، با این تفاوت که اینها لباسان پلیسی است.

خبر شهیر

صبح روز ۵۸/۷/۲۲ گروهی از دانش آموزان دبیرستان آواد بوش، به عنوان اعتراض به معلمین که دروس غیر مربوط به خودشان را تدریس میکنند در اداره آموزش و پرورش متحمن شدند، یکی دیگر از خواستهای آنان رفع ممنوعیت از تدریس یک نفر از دبیران به نام "خانجی" بود. آنها دلیل این امر را ارتعاطی با مبارزات خلق عرب می دانستند. مولین آموزش و پرورش مدت یک هفته از دانش آموزان مهلت خواستند و معلمین نیز با قبول این پیشنهاد به متحمن خود پایان دادند.

جنبش دانش آموزی جهت تحقق خواسته های زیر همچنان ادامه دارد:

- ۱- لغو شریعه مدارس
- ۲- آزاد شدن فعالیت های سیاسی
- ۳- ایجاد سیستم آموزشی رایگان
- ۴- پرداخت کمک هزینه تحصیلی
- ۵- جلوگیری از اخراج دانش آموزان مبارز
- ۶- یکسان شدن سطح آموزش در تمام مدارس
- ۷- تغییرات اساسی در محتوای کتب درسی

۸- تشکیل شورای واقعی منتخب دانش آموزان در هفته ای که گذشت دانش آموزان دبیرستانهای هشتروندی، ولی الله تصرفی، آذرشماره ۳ و چند مدرسه دیگر ضمن راهپیمایی و تحسین خودخواستار اجرای موارد فوق شدند. نکته جالب توجه اینکه راهپیمایی ها بصورت منظم و با شمارهای از پیش تعیین شده از طرف شورای دانش آموزان اجرا شد.

اشنویه

اشنویه شهید شدند، مردم وادگاههای انقلاب. اعتصاب کنندگان اعلام می کنند که اگر شام روز شنبه ۵۸/۷/۲۱ به خواستهای آنها جواب درست داده نشود، در آموزش و پرورش شهر متحمن شده و عکس العملهای شدیدتری نشان میدهند. میدان این جریان کسبه و بازار - بان به نشانه حمایت از دانش آموزان، بازار را تعطیل کرده و مغازه ها را می بندند. همچنین معلمین اشنویه نیز با آنها اعلام همبستگی کرده اند. از نتیجه اعتصاب تا کنون اطلاعی نرسیده است.

دانش آموزان اشنویه از روز سه شنبه ۵۸/۷/۱۷ با خواستهای زیر دست به اعتصاب می زنند.

- ۱- اخراج قیاده موقت و در رأس آن - پسران بازرانی که عامل دست نشانده آمریکا و شاه خاش در ایران هستند.
- ۲- خارج شدن ارتشیان از شهر و استقرار در مرزها
- ۳- تعویب دادن قاتلان ۴ نفر از دانش آموزانی که در جریان راهپیمایی در شهر

تهران

شورا مصمم است که به پشتیبانی خود انقلابی دانش آموزان برای دست یابی به حقوقی که توضیح داده خواهد شد در حال حاضر تلاش نماید.

- ۱- لغو شریعه، مسئولین بر اساسی نظام توزیع نا برابر امکانات آموزشی در تمام کشور
- ۲- لغو هر گونه مانع و تفتیش عقاید در سطح دانش آموزان
- ۳- باز گرداندن دانش آموزان و معلمین که بخاطر عقایدشان اخراج شده اند.

دانش آموزان سپس طی نامه ای که به کفیل آموزش و پرورش (رجاش) نوشتند، خواستهای خود را منعکس نمودند. آنها تصمیم گرفتند در صورت بی توجهی مسئولین به خواستهایشان از رفتن بگلان خودداری کرده و دست به راه پیمایی بزنند.

روز شنبه ۵۸/۷/۲۱ دانش آموزان دبیرستان دخترانه، انوشیروان "دادگر" (در ملکیتی که خلخال "حاکم شرع" سانسند، انوشیروان میتواند هنوز هم "دادگر" باشد) با شمارهای زیر دست به نظرات زدند. پرداخت شریعه الفبا باید گردد. فعالیت سیاسی آزاد باید گردد. معلم مبارز باز باید گردد.

پس از مدتی نظرات، دانش آموزان در گوشه ای اجتماع کرده و آنگاه بکنفران اعضا (شورای دانش آموزان دبیرستان) در باره آموزش رایگان، ایجاد امکانات آموزشی یکسان برای زحمتکشان سخن گفت و تفتیش عقاید در مدارس را محکوم ساخت. او در باره اهداف شورا اعلام کرد که:

سقز

اعتراض دانش آموزان به اخراج و تبعید معلمین مبارز روز ۵۸/۷/۲۲ دانش آموزان سقز بعنوان اعتراض به اخراج و تبعید معلمین مبارز در مدارس خود دست به تحمن میزنند. این تحمن ها در ساعت ۳ بعد از ظهر همان روز متوجه راه پیمایی در سطح شهر میشود، در خلال راهپیمایی هلیکوپترهای ارتش روی سر آنها به پرواز درمی آیند.

در این شهر بیشتر روزها دانش آموزان مدارس را تعطیل میکنند و با دست داشتن عکسهای شیخ عزالدین حسینی به نظرات می پردازند، آنها همچنین جلو ماشینها را گرفته و از آنها میخواهند که به نشانه اعتراض به کشتار و زلغلی کرد چهره های خود را روشن نمایند.

## ”ولایت فقیه“ گشادترین کلاهی که بسرمردم ایران می‌رود! (۴)

### موضع لیبرالها و حزب توده درباره ولایت فقیه

دریست وادامه مصلحتی که در رابطه با ولایت فقیه و حاکمیت بی چون و چرای روحانیون تاکنون داشته ایم . در این شماره به مواضع مهمترین نیروهای لیبرال ( مذهبی و غیرمذهبی ) و نیز موضع رویزبنیستهای حزب توده نسبت به ولایت فقیه می پردازیم :

● کسانی که از شاه “آزادی را” گدائی میگردند ، راجع به ولایت فقیه چه میگویند ؟

پورژوازی لیبرال که در زمان رژیم سابق تحت فشار بخش مسلط پورژوازی وابسته قرار داشت و امکان مشارکت در قدرت را دارا نبود ، در موضع “مخالف” ( اپوزیسیون ) قرار گرفته گهگاه با ترس و لیز و جبن ذاتیش ، از قدرت مسلط رژیم شاه ، “آزادی” را گدائی میکرد و شاه را از تسلط مطلق ، انحصاری و با مصلحت “سلب آزادیهای فردی و اجتماعی” برخوردار می - داشت و او را نصیحت میکرد . مثلا آیت الله شریعتداری در همان زمان شاه - که رژیم می - کوشید او را بمنتوان مرجع تقلید رسمی علم - کند - ضمن “ارشاد و نصیحت دولت” اظهار می - داشت که : “ اگر رژیم یک قدم به سمت ما بیاید ما دو قدم به سمت او میرویم . ” همچنین نامه مجزولابه آمیزدکتر سنجایی ، در بیوش فروهر و شاه پوربخش را ( که این آخری سرانجام بطور کامل در دامان امپریالیسم افتاد ) به شاه راجع خاطر داریم . نامه های اعتراض آمیز و دکتر جاحید سید جواد را هم که از سلب آزادیها و خفه کردن صدای روشنفکران و ناسامانسی اوضاع اقتصادی شکوه میکرد به رژیم شاه هتد ارمیداد که این راه که شما میروید و همه مخالفین را کمونیست می نامید ، خود کمک به کمونیستهاست و این شیوه شاه را ، مستارزه با کمونیسم نیست ( رجوع ثوبه “نامه ها” ) در یادمان هست .

در بیان انقلاب عظیم و سراسری توده ای ، بخشی از لیبرالها را نیز به همگامی با جنبش خلق و قبول رهبری خرده پورژوازی سنتی کشاند چرا که آنها جز این راهی نداشتند و این تنها امکانی بود که از طریق آن می توانستند به آرزوهای و آمال خود که چیزی جز محدود کردن جنبش توده ها در چارچوب خواستها و اهداف خود نبود دست یابند .

پس از به حاکمیت رسیدن رژیم کنونی ، لیبرال لیا ، یعنی کسانی که بنا بر ما هیئت طبقاتی خویش در زمان شاه ، ملاد ، با آنها دهائی گنبدیده و پیوسته های نظیر سلطنت سر سازش داشتند و حاضر بودند در زیر بیوغ امپریالیسم زندگی کنند و لئی بهیچوجه توده ها قدرت را در دست نگیرند ( به لیبرالها شی که اکنون در قدرت

سهم دارند و وجه آنها که در قدرت سهم کمتر دارند با اعلامیه شانند ) ، برای اینکه انقلاب را در نیمه راه متوقف سازند به تکیه بوفتاند ، آنها ضمن آنکه از هیچگونه تلاش برای حفظ نظام سرمایه داری وابسته ، که بنا تا بودی آن لاجرم برای بور - ژوازی لیبرال نیز جاشی نمی ماند - چرا که تنها طبقه ای که مستوا ندیده تا بودی نظام سرمایه داری وابسته کمر همت بریندد ، طبقه کارگراست - فرو گذار نمی گردند ، بلکه با شامه تیزی هم که داشتند ، بد رستی میوردند - و با درست شریکوشم از قبل سو برده بودند - که “مذهب” و “روحانیت” حای مهمی در تحولات سیاسی ( اخیر ) دارد و خود به وسیله همین جهت تحمیق توده ها و با زیاد شدن آنان از ادا مسه انقلاب گردیده است . در اینجا بود که آسان وحشی کسانی از آنان که تا به در عمر خود هیچگاه دورگت نما زین نخواستند بودند ا - بسر ای فریب توده ها ، برای خیزدن سوی قدرت فقیهانه مذهبی گرفتند و به کرنش در مقابل “قشر محتاز روحانیت” پرداختند ( ۱ ) . آنان که بنا بر

● چرا لیبرالها ناگزیر نندیده نهادهای ارتجاعی پشاه میگردند؟

ما هیت گنبدیده سرمایه داری در عصر حاضر ، هیچگاه نمی توانستند نقشی بیشتر در تحولات اجتماع می ، بخصوص در کشورها می نظیر ما داشته باشند ، با سازش و همدستی خود با ارتجاع مذهبی بر این قاعده وقانون زمان ماسعه گذاشتند . آری آنها نتوانستند نسبت به اصل “هدائی دین از سیاست” که مضمونهای طبقاتی آنان ، یعنی پورژوازی قرن ۱۸ اروپا بدان وفادار بودند پای بند نباشند ، جالب اینکه بزودی و حیونسی پورژوازی لیبرال تا بنا تا است که قشر غیر مذهبی آن نتوانستند قدرت دلخواهش را در هیت حاکمه بدست آورد ، “مخالفت” های خود را با انحصار طبسی و ارتجاع مذهبی ، با ز در لباس مذهب و با استفاده از موقعیت و مقام مراجع تقلید نظیر آیت الله شریعتداری و با

( ۱ ) - فرورحشی از جنبه ملی خارج شد و متعاقب آن در در رابطه با موضع گیری فروهر متغیر رهبری اعلامی روزنامه “شیردلمت ارگان فداشیا ن اسلام ( ۵۸ / ۲ / ۲۲ ) از او تمجید کرده و نوشت : “ ... این دومین بار است که آفشای داریوش فروهر اخلاص و ایمان واقعی خود را به انقلاب اسلامی ایران ثابت و عملا نشان داده است اصول راهادی ملاطفت با میمون سیاسی نمیباشد . ” همچنین فردا رز حزب فروهر یعنی ناصر تکمیل هما یون که تحصیلات خود را در اسرائیل بدست چند سال داده ، امروز در مساجد سخنرانی می کند !

از طریق احزاب و گروههای نظیر “حزب جمهوری خلق مسلمان” عنوان میسازد و جرات ایسرا ندارد که بدون تکیه بر مذهب وبدون کرنش در مقابل قشر محتاز روحانیت کلامی بر زبان آورد !

بنا بر این بنا به اذ لیبرالهای مسانتظار داشت که در مورد “ارتجاع مذهبی” و از جمله “ولایت فقیه” کلامی مخالف بسنای واقعی شنیده شود . از آنجا که فرومایگی و عزز خود را در مقابل رژیم شاه با سیاست “قدم مقدم” ( نهضت آزادی - مراجعه ثوبه پورخوردی سا مساحبه با زرگان با او را با فالاچی مندرج در بهکا ر ۲۶ ) ، سیاست “سروانشتار” ( جنبه ملی ) و دیگر سیاستهای مشابه نشان داده اند ، انتظاری جز این داشت :

( ۱ ) “ نهضت آزادی ” موضع رسمی راجع به ولایت فقیه نگرفته ، تنها از زبان مهندس عزت سنجایی که خود از “خبرگان” هم هست ، در مراسم با دیوید سفت آیت الله طالقانی ، در عین قبول ولایت فقیه ، بر داشت مجلس خبرگان را نا درست دانسته آرا بسنای “افسول اعلام” تلقی میکنند ، و در تناقض بین قبول رهبری امام و ضرورت پذیرش ولایت فقیه به عنوان یک اصل مذهب شمه از یکطرف ، و آرا نهایی پورژوا لیبرالی خود از طرف دیگر ، باقی می - ماند .

( ۲ ) جنبه ملی در آخرین بیانیه خود مورخه ۵۸ / ۸ / ۱ که خواسته است از طر خوشی را “ بطور روشن ” راجع به ولایت فقیه شرح دهد ، میگوید :

“ ما در اینجا می خواهم بر مفسر ار توجهیات ودلائل مذهبی ( محافطه کاری را بسنید ) به دوتکته اساسی توجه کنیم و نظر خود را در این باره بطور روشن ( ! ) بیان نمائیم :

اول آنکه اگر مقومد از ولایت فقیه بهروری و تمسیت ارتش و الا وسفی و پرهیز - کاری است که بدست علم ، تقوی و عدالت و شجاعت و قدرت رهبری مورد قبول جامعه قرار میگردد ، این امر بی شک مورد قبول و تائید همه وطن خواهان و ملتسندان به مسادت و بهر فرقت جامعه می باشد . ” ( آخرین بیانیه بهی جراحی ! که نشانگر انحطاط و گنبدیدگی پورژوازی ملی ” ( ؟ ) در کشور است ) .

اما این “ اول ” که “ دوم ” ندارد ، در ادامه خود چنین می گوید :

“ در صورتیکه چنین امامت ولایت و با رهبری در هر زمان از طریق قانونی ، الزامی تلقی شود یک امر روحانی و طبیعی که مربوط به صفات و خصوصیات یک شخص والا و مدبر و سا تقوی و ... می باشد از طریق الزامات قانونی شکل سازمان کشوری می شود بگیرد و در واقع از مقام مالی معنوی خویش منوط کند و به یک ترتیبات حکومتی تبدیل شود ... ” ( این آقا بیان که امروز از ش با ارتجاع مذهبی را برای تحمیق توده ها لازم می دانند حالا دارند به فقیه نصیحت

● با توجه به ولایت فقیه، آیت الله منتظری حق دارد بگوید: "اگر به رئیس جمهوری همه مردم رای بدهند ولی فقیه رای ندهد برای من هیچ ارزشی ندارد."

(مراجعه شود به سخنان امام در جمهوری اسلامی ۳ آبان) و ولایت فقیه هیچ سواکی درزش نسرود (مراجعه شود به همین بحث در شماره های فصلی پیکار) و آیت الله منتظری، این فقیه جامع - الشرایط - وقتی میگوید: "اگر به رئیس جمهوری همه مردم رای بدهد ولی فقیه رای ندهد برای من هیچ ارزشی ندارد" (اطلاعات ۲۳ مهر) در چهار چوب اسلام و مذهب شیعه حق با اوست. آیت الله خمینی خود را به کسانی که در عین قبول اسلام و جمهوری اسلامی از جرمان امور یا "جلسه خبرگان" انتقاد می کنند و با مسئول استنادی خراسان شعار "انقلاب در انقلاب" را می دهند، هشدار داده و بقول خود به آنها "خودهنی" زده است (سخنرانی در ۴ مهر)، آیت الله خمینی و بلندگوهای ایشان در "جلسه خبرگان" و در جاهای دیگر مدام به افکار غربی و "وارداتی" حمله می کنند و این بدون جهت نیست. از نظر آنان، اسلام در کلیت خود مجموعه واحد و کاملی است و با التقاط از هر نوع و رنگ که باشد، جور در نمی آید.

شما لیبرالها می خواهید با گرفتن اسلام توده ها را بفریبید و بعد هر جای آن که مناسب شرایط روز و منافع طبقاتی شان نیست، بترانید. حکومت اسلامی و ولایت فقیه بطور بیست کننده و صریح یعنی ما زکمت به دوران خلافت قرون وسطی اما این بار نه بعنوان روشنی سیاسی فتواد - لیسم بلکه بعنوان روشنی سیاسی نظام صراحتاً به داری وابسته، و بقول حافظ: "گرسرو تنی بسندی، بنفیر ده قفا را!"

دکتر اصغر حاج سیدجوادی که الحسین در لیبرالیسم خود بسیار ریبکیتر بود و اقتدار زبرخی دموکراشهای نابلیگراست (که در شماره ۲۰ آمده به موضوع آنان نسبت به ولایت فقیه خواهیسم برداخت) و نیز زبرخی دیگر از نویسندگان روزنامه "جنش" (دکتر کزک توربان و...) اما شنید "دموکراشهای" مذهبی میگویند با شاهد آوردن از زبرخی آیات و احادیث که عدت باستم و متمکاران و معاصم انسان دوستانه و غیره - خواهان نه را افاده می کنند، انتقادات خود به قدرت مذهبی حاکم برداشت آن از اسلام (که همان ولایت فقیه باشد) را استدلال کنند. در حالی که اسلام در کلیت و جامعیت خود بعنوان نهادی که متعلق به زمان و مکان خویش بوده، و در چهارچوب یک تحلیل علمی، در زمان خویش نقشش مترقبانه ای هم ایفا نموده است، می توانست معنا بدهد نه چیزی که بی از کم و کاست و جرح و تعدیلها می قابل پیدا شدن در شرایط امروز باشد. این نهادها که در زمان خود جنبه های مترقبانه ای داشت در این مرحله ارتکام مسل نیروهای مولد و مناسبات تولیدی، دیگر آن نقش دیرین را نمی توان ایفا کند.

فقیه در صفحه ۲

برخورد به ارتجاع مذهبی میباشیم، حزب جمهوری خلق مسلمان - که در زهرپرو بال مرجع تقلیدی نظیر آیت الله شریعتمداری، قرار دارد از جمله این باندهای لیبرال است که در رابطه با انحصار طلبان و ارتجاع مذهبی داد و بیداد زیادی بر راه میاندازد. آری لیبرالها که برای فریب توده ها، برای عزیزدن بسمت قدرت با ارتجاع مذهبی دمساز شده اند، زمانی که عملکردهای ارتجاع مذهبی باعث می گردد که توده ها دورقد رستندگان را خالی کنند، به ننگا پو می افتند تا در پووش "انتقاد" و هاپهوی توده ها را بسمت خود بکشند به همین لحاظ است که در شرایط ما، مبارزه بر علیه ارتجاع مذهبی بدون انضام لیبرال ها، در واقع عوامفریبی آنها که حاضرند هر زمان بر رنگی درآیند امکان ناپذیر است.

● اگر جمهوری اسلامی را قبول دارید نمیتوانید از ولایت فقیه و اجرای احکام دادگاههای اسلامی ناراضی باشید. اسلام یک کلیت تفکیک ناپذیر است.

اما... آقایان لیبرالها! شما میخواهید ما "تند-اسلاف و نظارستان در کشورهای دیگر از اسلام" چیزهایی را بترانید و آنسرا ظاهراً نقطه مشترک خود با توده های ناآگاه گرفته، سبادت سرمایه (که در دوران کنونی جز با وابستگی به امپریالیسم میسر نیست) را در جامعه ما بشکل دیگری برقرار کنید شما اگر ما رهبری امام و جمهوری اسلامی موافقت شما به از اجرای احکام اسلامی قریب دستان بلند شود که چرا عکس و فیلیم شلاق زدن را در دنیا بخش میکنند (جنش شماره ۶۱ - تازه مگر سران قوم بارها نگفته اند که افکار عمومی دنیا را ما می - خواهیم چه کنیم ما اسلام میخواهیم) پس شلاق زدن زناکار (و سنگسار کردن او هر چند بی رحمانه و قبیح باشد از انواع کبیر در قانون جزای اسلامی است) قرآن سوره نور آیه ۳) و بریدن دست دزد هم همینطور (البارق و السازقه فاقطعوا ایدیهم - قرآن) جز به گرفتن از پهروان ادیان دیگر که در جامعه اسلامی زندگی میکنند و برخورد نا برابر با آنان و محدود کردن آزادی ها - پشان از احکام مسلم اسلامی است. اینک گفته میشد برخی از پاسداران مهاجم در کردستان به زنان و دختران کرد با قتل کرده اند بغرض صحت، خارج از تفکر و ذهنی که به آن انسان القاء شده، نبوده است. زیرا پاسداران و راهبرای "محرابها کفار" (۱) به کردستان فرستادند و معلوم است که در چنین حالی زنان طرف مقابل شنیت جنگی محسوب می شوند و البته در مورد زنی که اسپر جنگی باشد (کنیز) عقد هم لازم نیست! (مراجعه شود به قرآن سوره، مومنون آیه ۲) اینک حاکمیت از آن خدا و رسول و امام و نایب امام (فقیه) می باشد و اینک اینها منصوب خدا هستند از اصول مذهب شیعه است

میکنند که حکومت خوب نیست و "مقام مسوی" را پیدا نشان می آورند. آری آنها در اینکارها استادند، چرا که زمانی سزای شاه میخواستند که "سلطنت کند - سلطنتی که از نظرشان موهبتی الهی است - نه حکومت" تا نشان شاه را که "از مسئولیت مبرا است" همچنان در تقدس نگه دارند) ۳) دکتر علی اصغر حاج سیدجوادی، در عین برخورد نسبتاً صریح به انحصار طلبان و قشر سون مذهبی، با اینکه آیت الله خمینی خود با آنها تا کید کرده است که از جوانب مختلف امور مطلع است، با اینکه آیت الله خمینی دقیقاً بر اساس تر خود "ولایت فقیه" عمل میکند و تصمیمات خود را بر مبنای فتوای شرعی حلال کردن و حرام کردن اعلام میدارد، با اینکه او برای خود "مسئولیت الهی" قائل است و مشخصاً اظهار میدارد که نه تحت تاثیر القاشات کسی قرار میگیرد و نه کانالیهای اطلاعاتی او بکاشیه است و در حالیکه آیت الله - خمینی بارها عملکردها دادگاهها را طوسی ۸ ماه گذشته تا شید کرده و شینا دوهفته پیش پس از سرو صدای زیادی که در این باره به راه افتاد و حتی سید احمد خمینی هم از احکام دادگاهها انتقاد کرد، "اجرای ضوابط اسلامی" (که چیزی جز ادامه همان روش گذشته با مختصر احتیاط نیست) را گوشزد نمود! و با اینکه او بارها انتقاد گران، آزادخواهان و قلم بدستان را به سختی مورد حمله قرار داده است و خسود میداند چه میکند! (او حتی همین انحصار - طلبان مورد انتقاد شما را که کسانی جز بهشتی و برزی و امثال آنان نیستند با هم مورد تا شید قرار داده است - جمهوری اسلامی ۲ مهر) ... آری با همه این احوال، حاج سید جوادی آیت الله خمینی را از مسئولیت مبرا دانسته و "رهبری امام" یعنی "ولایت فقیه" را میپذیرد و تا کید میکند که "شمول رهبری امام را از بین ببریم" (جنش شماره ۵۵) یعنی آیت الله خمینی، "امام ما" هم هست. به این ترتیب، در همین حال که تفکر لیبرالی حاج سید جوادی او را به شنیدن "هدای پای فاشیسم" (حال بدست ما غلط بودن برداشت او کاری نداریم) به احساس حقان و هزار غیب و اشکال غیر قابل قبول رهنمون میشود و لسی در عین حال نمی تواند از قبول رهبری مذهبی (هر چند مریحاً ولایت فقیه هم معنای دهد) دست بردارد. حاج سید جوادی مانند همه لیبرالها مجبور است در این شتاقش، به فریب خود و توده ها دست بزند و مبرا بودن امام را پیش بکند و همچنان توده ها را در توهم نگه دارد و راستی آنها این "مسرا بودن" با "مقام غیر مسئول بودن شاه" چندان فرقی دارد؟! !

همچنانکه ملاحظه کردید ما در اینجا برخی گله گزاریها و نیمه انتقادات لیبرالها مواجه هستیم و فراتر از این در جاهای دیگر ما شاهد هاپهوی لیبرالها نیز در

## درافشای سوسیال امپریالیسم شوروی (۴)

### هنگامیکه چریکهای فدایی به نفی دیکتاتوری پرولتاریا می‌رسند

رفقای چریکهای فدایی براساس بحث غیر دیا - لکتیکی و غیرعلمی خود مطرح سخنانند که: از دوره مسمیتی زیر حکومت استالین، سوسیالیسم در روسیه بهیروزگی تلمی یافت و بنابراین احیای سرمایه‌داری امکان ناپذیر گشت و سدین خاطر ممکن نیست پرولتاریا - ربا از طبقه حاکم به طبقه محکوم تبدیل شود، در گفتارهای پیشین ما مطرح ساختیم در جامعه درحال ما سوسیالیسم که تسدیرت سیاسی درکف پرولتاریاست و حرکت متضاد وجود دارند که یکی حرکت جوان اما رشد پاینده سوسیالیسم است و دیگری حرکت مقاوم و عقب - گرا ولی از نظرات ربحی افول پاینده سرمایه‌داری می‌باشد. این دو حرکت ما هبتاً متضاد سیوسته در حال مبارزه ساید یکدیگرند و این مبارزه بسه مثابه یک مبارزه طبقاتی در تمام عرصه‌ها متبلور می‌گردد. و نیز بیان کردیم که در تمام دوران سوسیالیسم سلطت عوامل مسا عدزیر بنیائی و روشنائی و وجود مبارزه طبقاتی امکان بازگشت سرمایه‌داری مثابه یک نظام مسلط و استقرار دوباره قدرت سیاسی بورژوازی موجود است و حال در اینجا می‌گوئیم تا شان دهم چریکهای فدائی چگونه به نفی دیکتاتوری پرولتاریا می‌رسند.

از آنجا که سوسیالیسم بخودی خود ساخته نخواهد شد و خطر بازگشت سرمایه‌داری در کشوری که در آن انقلاب سوسیالیستی صورت گرفته و وجود دارد و نیز از آنجا که کشور سوسیالیستی در احاطه دنیای امپریالیستی سر می‌برد، دیکتاتوری پرولتاریا از یک ضرورت تاریخی برخوردار است. تصور اینکه بدون دیکتاتوری پرولتاریا بتوان حتی یک گام سوی کمونیسم برداشت، جز ششگری پوسیده و روبریزبونیستی و جز توهم و خیال باقی ارتحای چیز دیگری نخواهد بود. مارکس در "انتقاد از برنامه گتا" می -

نویسد: "همین جامعه سرمایه‌داری و کمونیستی دورانی وجود دارد که دوران تبدیل انقلابی اولی به دومی است. مطابق با این دوران یک دوران گذار سیاسی نیز وجود دارد و دولت این دوران چیزی نمی‌تواند باشد جز **دیکتاتوری انقلابی پرولتاریا**".

و لنین نیز در "دولت و انقلاب" چنین میگوید: "گذار از سرمایه‌داری به کمونیسم البته نمی‌تواند انکال سیاسی بسیار فراوان و متنوع را بسازد و ولی ماهیت آن در این حرام غنناً ناست می‌ماند که آن هم عبارت از **دیکتاتوری پرولتاریا** است".

استقرار رژیم سوسیالیستی نسبت به رژیم سرمایه‌داری تحول عظیمی شنا می‌آید، تحولی که مرآغاز دوران گذار از جامعه طبقاتی به جامعه بی طبقه کمونیستی می‌باشد. در جامعه سوسیالیستی

دیکتاتوری بورژوازی سرنگون شده و دیکتاتوری پرولتاریا یعنی اعمال دمکراسی در قبال خوده - های زهنشکن و اعمال دیکتاتوری در قبال اقلیتی استثمارگر برقرار گشته است. در این جامعه مالکیت خصوصی بر وسائل تولید عمده به مالکیت دولت پرولتاریا تحول یافته و طعماً ملی شدن صنایع و کلکتیو شدن کشاورزی میدان وسیعی جهت رشد نیروهای تولیدی وجود آورده است. ولی در ضمن این جامعه مبارزه طبقاتی

بین پرولتاریا و بورژوازی و مبارزه بین راه سوسیالیستی و راه سرمایه‌داری با حدت تمام وجود دارند و خطر احیای سرمایه‌داری پابرس - جاست. از همین رو است که اعمال کامل دیکتاتوری پرولتاریا در زیربنای و روشنائی و روستا ضرورتی - یابد. زیرا استقرار جامعه کمونیستی آستانه از راه **دیکتاتوری پرولتاریا** می‌گذرد. دیکتاتوری پرولتاریا که "عبارتست از یک مبارزه سرمت خونین و بی خون، قبری و طلع آسبز، جنگی و اقتصادی، تربیتی و اداری بر ضد سروها و سن جامعه کپه" (لنین: بیماری کودکی "تپ‌روی" در کمونیسم) دو وظیفه اساسی دارد: یکم - وظیفه داخلی که عبارتست از لفو کامل تمام طبقات استثمارگر، توسعه اقتصاد سوسیالیستی، ارتقاء سطح آگاهی و فرهنگ کمونیستی بوده‌ها، الفای تفاوت بین مالکیت عموم خلق و مالکیت کلکتیو، بین کارگر و دهقان، بین شهر و ده، بین کارگری و کاربندی و مهم‌ترین جامعه‌ای که شمار "ازهرکس بقدر استعدادش و سه هرکس بقدر احتیاجش" را تحقق می‌بخشد، دوم - وظیفه بین‌المللی که عبارتست از دفع حملات و تهاجمات امپریالیسم (چه مداخله مسلحانه و چه اقدامات مسالمت‌آمیز) و حمایت و پشتیبانی بی همه جانبه از انقلابات پرولتری و جنبتهای واقعی راهشیش در سطح جهان.

دیکتاتوری پرولتاریا تنها راهی است که به جامعه کمونیستی منجر خواهد گردید. جامعه - ای که در آن طبقات و اختلافات طبقاتی بکلی از بین رفته است، جامعه‌ای که در آن همه مردم دارای کیفیت عالی اخلاقی و شعور کمونیستی بوده و همه مردم به "کارکن" تبدیل شده‌اند، جامعه - ای که در آن تولید اجتماعی فراوان بوده و اصل "ازهرکس به قدر استعدادش و به هرکس به قدر احتیاجش" عملی گردیده است و جامعه‌ای که در آن دولت دیگر نایب گشته است. لنین در "دولت و انقلاب" می‌نویسد:

"تکامل به پیش یعنی سوی کمونیسم از مسیر دیکتاتوری پرولتاریا می - گذرد و در قریب این صورت نمی‌تواند به پیش برود."

اما همانطور که میدانیم روبریزبونیستی این خدمتگزاران آستان بورژوازی ضد انقلابی،

بقیه از صفحه ۶  
حزب شونده و ولایت فقیه

بسیستم حزب شونده که در دوران رژیم سابق مدنظر از جمله واحد دیکتاتوری در چهار رجوب همان رژیم سابق سخن می‌گفت و تشکیل ایسن "جبهه" را نه تنها بمعنی واژگونی رژیم سلطنت نمی‌گرفت بلکه آنرا بمعنی تبدیل شاه به ولیمهدم نمی‌دانست (!) حالا در باره ولایت فقیه چه می‌گوید؟ در این مورد کافی است بگوئیم در حالیکه اغلب لیبرالها وقتی برخی از روحانیون که در "مجلس خبرگان" یا "قانونی کردن" ولایت فقیه (شاهوهران به عنوان بسک اصل مذهبی) مخالفت کردند، اعتقاد دارند که این "ولایت امر" بطور مسلم شامل فقیه دیگری غیر از آیت الله خمینی نمی‌تواند شود. (مراجعه شود به بحث "مجلس خبرگان" در همین موضوع) حزب شونده معتقد است که: "گرد آمدن شرایط و طفاتی که برای رهبریا معای شورای رهبری پیش بینی شده (موضوع اصل ۸۶) در وجود بسک شعی - اگر و آتما خواهد بود - آن عمل خود - بسیار دشوار است (آری فقط بسیار دشوار است!) و همانند وجود شخص امام خمینی (که در اصل ۸۴ نام برده شده) کاملاً استثنائی (یعنی قبول ایشان با اصول علمی که حزب شونده مزورانه از آن دم می‌زند قابل توجیه است!) و در نتیجه برای آینده به احتمال قوی غیر ممکن است" (می‌بینید که روی لیبرالها و فرست طلسم جهان را با چنین موعنی سفید کرده است!) - روزنامه مردم اول آبان.

تازه گمان نکنید که حزب شونده حتی همین حرف را از قول خودش می‌زند. خبر همین "موضع - گیری" آبکی را هم از قول "بسیاری از اطرافان" نقل می‌کند. خواننده از اینهمه بالانس و بندبازی و گزشتن به عبرت می‌افتد ولی باز در همانجا می‌خواند که:

"عکس‌المطلی که بطور کلی (؟) از اضافه کردن این اصول به قانون اساسی بوجود آمد، (توجه کنید: با شتام فریاد یکی حرف خودش را با عنوان "عکس‌المطل" می‌آورد آنهم نسبت به "افاضه کردن" و خود را نسبت به این حقیقت به نفهمی می‌زند که تمام ایسن "مجلس خبرگان" و... برای جا انداختن همین اهل بهیاب شده است، حزب شونده نه تنها خود، کارکیم "سرمزبیر برده" را می‌کند، بلکه بقیه در صفحه ۸

#### توضیح درباره تشریح:

ما در شماره ۱۹ پیکار رقول دادیم که مقالات ترویجی را بصورت محررا (در حد امکان ما هانه) منتشر کنیم، تا بتوانیم بحای آن اخبار و گزارشات بیشتری در یکباردیج کنیم با توجه به لزوم مقالات ترویجی در پیکار روبا توجه به پیشنهادت رسیده تصمیم گرفتیم در حد امکان و بسا افزودن صفحات تشریح برخی مقالات مورد ذکر را ز جمله در افشای سوسیال امپریالیسم شوروی را نیز در پیکار درج کنیم.

بقیه از صفحه ۷

دیکتاتوری پرولتاریا را نفی کرده و نفی می کنند. درشوروی رویزیونیستهای خائن خرو- تچلی النای دیکتاتوری پرولتاریا را اصلاح داشته تاراه رشد سرمایه داری را هوارنما - بند . آمان دربیست و دو صین کنگره دربرنامه ، خزی خود اعلام کردند :

"دیکتاتوری پرولتاریا ضرورت خود را از دست داده است و دولتی که بشکل دولت دیکتاتوری پرولتاریا موجود آمده بود ، در مرحله جدید کثونی بدولت موم غلغی تبدیل گشته است ."

روویزیونیستهای شوروی از خروچیف تا برزنف برای آنکه ماهیت بورژوازی قدرت خویش را بپوشانند درخداد ما مارکسیسم - لنینیسم که معتقد است دیکتاتوری یک طبقه یعنی پرولتاریا ، برای تمام دوره تاریخی که سرمایه - داری را از کمونیسم جدایی سازد ضروری می - باشد ، اعلام داشته که دیکتاتوری پرولتاریا متعلق به مرحله گذار از سرمایه داری به مرحله اول سوسیالیسم بوده و اینک مرحله " دولت موم غلغی " فرا رسیده است .

حال چریکهای فدائی خلق که آشخور فکری خویش را نزد روویزیونیستها یافته اند به نفی دیکتاتوری پرولتاریا رسیده و هموشی سی - نظیری با خط روویزیونیستی پیدا کرده اند . چه دلیل ؟ به بحث قبلی چریکهای فدائی بر - می گردیم . زمانی که این رفقا بطرزانجرانی و غیر مارکسیستی اعلام می دارند که از دوره مضمینی در زمان استالین امکان بازگشت سرمایه داری به روسیه از بین رفته است ، ( وما در مقاله قبل نشان دادیم که این امکان در این مقطع زمانی از بین نرفته بود ) دیگر چه ضرورتی باقی می ماند که دیکتاتوری پرولتاریا بپزار باشد ؟ رفقای فدائی ! دیکتاتوری پرولتاریا در تمام دوران سوسیالیسم ضرورت دارد و این ضرورت ناشی از آن است که امکان بازگشت به عقب موجود می باشد . اعمال این دیکتاتوری انقلابی و تاریخی مجموعه عوامل قهرانی را سرکوب کرده و نیز شرایط را برای رشد جامعه نوین فراهم می سازد . حال در موردی که مجموعه عوامل قهرانی که بازگشت به سرمایه داری را مسر می سازند از بین رفته باشند دیگر چه ضرورت و الزامی برای وجود دیکتاتوری پرولتاریا باقی می ماند ؟ بعلاوه دیکتاتوری پرولتاریا میان مشخص ادامه مبارزه طبقاتی پرولتاریا می باشد . حال زمانی که دیکتاتوری طبقه انقلابی نفی می گردد ، دیگر مسأله طبقاتی موردی نخواهد داشت . لنین میگفت : " مارکسیست فقط آنکی است که قبول نظر به مبارزه طبقاتی تا قبول نظریه دیکتاتوری پرولتاریا سطر دهد " ( دولت و انقلاب ) و حال رفقای فدائی از رد دیکتاتوری پرولتاریا به رد مبارزه طبقاتی می رسند .

تاسف آورتر اینکه رفقای فدائی حاکمست روویزیونیستهای مرتد خروچینی و برزنفی هیچ چیز را تشبیر نداده و هیچ غلغی دامروبووجود نیاورده است . بلکه برعکس نعت هدایت روویزیونیستها و پس از گذشت بیست سال لابند در حال حاضر " کمونیسم " درشوروی تحکیم سبب یافته است ( ! )

می بینید رفقا ، گرایشات روویزیونیستی موجود در زمان شما کار را بگذاشته اند ؟ : به نفی مبارزه طبقاتی و دیکتاتوری پرولتاریا در دوران سوسیالیسم و صده گذاردن برخیا ننت روویزیونیسم مدرن ، ولی بحث را ادامه دهیم و سببیم استدلال غیر علمی چریکهای فدائی بگذا می انجاسد ؟

هنگامیکه رفقای چریک می گویند در روسیه بازگشت به عقب امکان ناپذیر گشته و سوسیالیسم به پیروزی نهایی رسیده است ، و منسای این حرف چیز دیگری جز این نخواهد بود که این رفقا معتقد به عدم وجود طبقات در روسیه شوروی باشند ، ما به این نتیجه خواهیم رسید که از نظریاتمان در این کشور کمونیسم احقرار یافته زیرا کمونیسم یعنی عدم وجود طبقات با به قول لنین یعنی " صحر کامل طبقات " ، پس چریکهای فدائی به " مجزه " دیگری میرسند : کمونیسم در یک کشور ( ! ) ؟ . چگونه ممکن است در یک کشور که در احاطه دنیای امپریالیسم و ارتجاع قرار دارد بتوان کمونیسم را برپا کرد ؟ لنین مطرح می ساخت که بر اساس قانون رشد ناموزون سرمایه داری ( چه از نظر اقتصادی و چه از نظر سیاسی ) می توان در یک یا چند کشور که در آستانه انقلاب پرولتاری قرار دارند به انقلاب و ساختمان سوسیالیستی مبادرت ورزید و چنین کشور سرخی را می بایست به پایگاه اشترناسیونالیسم پرولتاری و انقلاب جهانی بدل نمود . ولی او اضافه می کرد که در یک کشور به تنهایی تحقق پیروزی نهایی سوسیالیسم و کمونیسم محال است . زیرا " بگانه تضمین پیروزی نهایی سوسیالیسم یعنی تضمین در مقابل سرکشت اوضاع سابق ، انقلاب پیروزی بخش در یک سلسله از کشورها می باشد ... " ، لنینیسم می آموزد که پیروزی نهایی سوسیالیسم به معنای تضمین کامل در قبال سرکشت مناسبات سوزوواشی ، فقط در مقیاس بین المللی امکان پذیر است ... " ( فطنامه کنفرانس چهاردهم حزب " مندرجه در " درباره مسائل لنینیسم " ) .

خروچیف فریبگارانته شمار می داد " ساختمان احسان کمونیسم در عرض ۲۰ سال " و اینک چریک های ما گوی سبقت را ربوده اند به " کمونیسم " رسیده اند . ولی این کمونیسم ، کمونیستی کاذب و تخلی است ، کمونیسم خرده بورژواشی چریکهای است که جسم ایده آل خویش را در جامعه خروچینی باز یافته اند ، چریکهای که با ترهات روویزیونیستی خویش کوشش در بنسواب کردن خود و پرولتاریا دارند . ( ادامه دارد )

می خواهد مردم را هم کینک کند ! ) این است که با زمجلس خبرگان در عداست سوسی اراکمیت ملی ، از نقش قاطع آرا مردم در سرنوشت خود و مینشان بگاهد وره های در مقابل مسردم بعنوان نشانه متشا ، قدرت سوزد آورد . خواننده بجای نویسنده ، روزنامه ، مردم ، عرق شرم را بر پیشانی خود احساس می کند و از اینکه محسوس با میان ناپذیرا پورتونیسم وی برنسیسی و خباثت به آلمان شوده ها را در برابر خود می بیند چاره ای ندارد جز آنکه با تمام وجود با طبقه کارگر و زحمتکشان پیمان سندد که یک لحظه از افتای اپورتونیسم و روویزیونیسم نیاماید . (

اما چرا حزب توده " این چنین مو ضعی می - گیرد ؟ چرا او هرگونه اصول واحکام مسلم مارکسیسم - لنینیسم را زیر پا مینهدارد ؟ و در بر خورد به ارتجاع مذهبی حتی از مستقد پس درونی هیئت حاکمه نیز ملایم تر عمل میکند ؟ نهایت توکرمستی خود را به " کشر حضا ز روحانیت " و خرده بورژوازی حرفه ستی نشان میدهد ؟ حزب توده توکرمستی خود را در این مورد ششوریزه کرده است و با پیروان " رهبری پیگیر و قاطع و آشتی ناشی از امام خمینی ... یعنی شورشسین " ولایت فقیه " و کسی که پیش از هر کس دیگری بر ولایت فقیه تاکید دارد و عمل میکند ، و بنا برستی ای که در پیش گرفته است حاضر است حتی با نهاد های ارتجاعی و قرون وسطایی نیز سازش کند و م بر نه وارد . در پایان این مقال که اندکی به درازا کشیده است ، مبدانیم نقل قولی از لنینس آموزگار بزرگ کارگران و زحمتکشان سوسیالیسم : " لیسرال ، ( وما اضافه میکنیم : روویزیونیست ) از حسن توده های - ترسد ، طوری آسرا می کند و تا کاهانه از بعضی موسسات قرون وسطایی ( ۱ ) و آن هم از عمده ترین آنها دفاع میکند . برای اینکه سر ضد توده و سوبزه سر ضد کارگران کتبه گاهی داشته باشد . آنچه که لیسرالها برای رسیدن به آن میکوشند تقسیم قدرت با پورینکوبج هاست ( ۲ ) نه ناسود ساختن کلیه پایه های قدرت پورینکوبورینکوبج ها . "

( لنین : احزاب سیاسی در روسیه ، تاکید با ورنسی از صحت )

- ادامه دارد -

- ( ۱ ) - نمونه ای سبتر از " ولایت فقیه " عراق دارد ؟
- ( ۲ ) - یک نمونه برجسته دست راستی پارلمان تزاری .

## حفظ قرارداد دوجانبه نظامی با آمریکا، سند رسوائی هیئت حاکمه است



## حزب توده، مشاطه‌گر بورژوازی

مردم، ارکان نوکران سوسیال امپریالیسم ثوروی، در شماره ۵۸ خودبتاریخ ۱۴ مهر ماه با درج مقاله‌ای تحت عنوان "نشانه‌های امیدبخش در راه حل مسئله" گردستان" بار دیگر با وضوح هرچه‌ما متر یک سیاست‌نمام عیسار "دلالتی بورژوازی" را که درپوشش مارکسیسم-لنینیسم عمل می‌کند، بنمایش گذاشته است. دراین مقاله می‌خوانیم که "پس از خواندن این خبرها (اخباری که منابع غربی رژیم از قول عناصر هیئت حاکمه نقل کرده‌اند) هر ایرانی دلسوز بحال مردم، بدون واردشدن به جزئیات خبرها، بی اختیار نفسی براحتی می‌کشد، زیرا درشرایطی که هنوز سرخپها در گردستان با زهم خمیری می‌پزند، این غیر-اشکبار و روشنی است از خرد انسانی و نسنای وجدان و حس برادری. دراینجا دیگر سخن از پرتاب نارنجک، حمله، هلیکوپترهای کمر... و کشته‌شدن برادر بدست برادر نمی‌رود، بلکه خیرازیک عملاً نسانی است، برادران دورهم نشسته‌اند و دیروز رابه‌کناری سپاه‌ده‌اند و با هم درد دل می‌کنند... و یک وزیر با احساس مسئولیت از قابل حل بودن مشکل گردستان بطریق غیرنظامی سخن می‌گوید." (پراشتیز از ما است.)

آنچه دروجه اول از این جملات دستگیر می‌گردد، خواستهای تنگ و نجات خیرخواهانه‌ای است که همه می‌خواهند، بدین معنی که در شرایط حاضر منافع کلیه خلقهای ایران و هم چنین خلق کرد ایجاب می‌کند که هرچه زودتر به‌حنگ نامعادلانه و ضدانقلابی‌ای که ازسوی هیئت حاکمه به‌خلق گردتحمیل شده است پایان داده‌شود، چه‌هدف رژیم سرکوب‌جنش گردستان، بطورمنفردمیسا تهدیش از آنکه به‌سایر نفاط کشیده‌شده به‌حنگ سراسری کلیه خلقهای ایران برعلیه ضدانقلاب حاکم متجزگردد، چراکه ایسن جنگ درشرایطی به‌خلق گردتحمیل میشود که ناموزونی بسیاری در جنش انقلابی درمقیاس کل ایران وجود دارد. و هنوز خلق کسرده نمی‌شوند در مبارزات برحق و جنگ مقاومت عادلانه خود در برابر ضدانقلاب پشیمانی همه جانبه دیگر خلقهای ایران و سوسیژه خلق فارسی را در پشت سر داشته باشد.

اما این واقعیت نیز انکارناپذیر است که در زمینه خاتمه دادن به جنگ خانمانسوز گردستان که در گرو حل مسئله گردستان می‌باشد و خط مشی و دو سیاست از ریشه متفاوت و متضاد در مقابل هم‌صاف آرایبی کرده‌اند:

۱. سیاست و خط مشی رژیم در گردستان، همانک با سیاست و خط مشی او در مقابل کل جنش انقلابی ایران برخلاف آنچه که رویزیونیست‌های توده‌ای تصور می‌کنند، نه "حل" مسئله گردستان، بلکه سرکوب جنش انقلابی این خطه و تحمیل یک جنگ ملیسی و

عد انقلابی به آن بوده است، و ایسن را کارنامه چند ماهه رژیم به روشنی نشان میدهد. هیئت حاکم کنونی از همان ابتدای حکومت خود، در مقابل حتی ابتدایی ترین و

**• در زمینه خاتمه دادن به جنگ تحمیلی علیه خلق کرد، دوخط مشی از ریشه متضاد و متضاد در مقابل هم صاف آرایبی کرده‌اند.**

**• تلاشهای ریاکارانه و محتضرانسه رژیم، تحت عنوان "پایان دادن به جنگ" جزئی از سیاست سرکوبگرانه وی در مقابل جنش ملی است.**

مسلم ترین حقوق خلقهای تحت‌تسم ایران و منعمله خلق کرد قرارگرفت، و متقابلا از طریق همکاری علنی و سی پرده با مرتجعترین نیروهای منطقه، منجمله فتودالها، سران عتایر و دارودسته‌های شناخته‌شده‌ای از قبیل قباده موقت، به توطئه‌چینی و تخطئه‌مبارز-ات و خواستهای برحق خلقهای تحت‌تسم پرداخت هیئت حاکم بر اساس همین خط مشی از همان ابتدا، سیاست سرکوب و قهرزدا انقلابی نسبت به خلقهای تحت‌تسم را درمقاطع مختلف در پیش رو نهاد و سرانجام یک جنگ دامنه-دار ضد انقلابی رابه خلق کرد تحمیل نمود و به کشتار وسیع و پرداخته مبارزان و توده -های زحمتکش گردستان دست زد. و امروزه -تلاشهای محتضرانسه و ریاکارانه‌ای که از سوی عوامل رژیم، پس از یک دوره کشتار و سرکوب نظامی تحت عنوان "پایان دادن به جنگ" دنبال میگردد، صرفاً جزئی از مجموعه سیاست و عملکردهای رژیم در قبال مسئله ملیسی و جنش خلقهای تحت‌تسم میباشد...

وتازه رژیم درشرایطی به‌چنین نکاسوی محتضرانسه افتاده است که ازهرجنت مسلم گشته نمیتوان با یورش نظامی به سرکوب جنش خلقی پرداخت که بطوریکتیا رچسه و ملیسویی، به‌مقابله مسلحانه با هجوم ضد-انقلابی و نظامی رژیم برخاسته است و از دستاوردهای انقلابی انقلابی خویش با شمام قوا دفاع مینماید. در واقع رژیم کمابیش درپافته است، گردستان به با تلاق عمیقی تبدیل خواهد شد که هرلطفه‌میشتر او را بدین خود میکشاند و مرگش را شریع میکند و در این میان با آشکارشدن ماهیت طبقاتی او در پیشگاه توده‌ها، هرچه بیشتر او را در گرداب مصیبت بحرانی‌ای خردکننده فروخواهدبرد،

۴. سیاست و خط مشی ای که در پی رهائی واقعی خلق کرد از یوغ نالها رنج و تسم مغایف ملی و طبقاتی است. سیاستی که متعلق به پروولتاریای انقلابی است و خلش کرد در طی این نالهای تسمو مبارزه، با تمام وجود خویش جفاست آن را درپافته است و

از سرنگونی سلطنت به این طرف بطرزبیکبری آن را دنبال نموده است. این سیاست انقلابی معتقد است که مسئله گردستان تنها در صورتی حل میشود و جنگ زمانی بسرای همیشه خاتمه می‌پذیرد که:

- الف- تسم ملی بطورکامل مل نابود گردد.
- ب- نظام سرمایه‌داری وابسته سرنگون گشته و بقایای فتودالیسم و روابط عمیری از میان برود.
- ج- حق تعیین سرنوشت برای خلقها برصمیمت شناخته شود و خلق کسرده بتواند دریک صف متحد، اتحادنا - میمون فتودالها و عناصر رانج‌عی را درهم شکنند و بدین ترتیب راه را برای برکوبشادات ارضایی تجزیه‌طلبانه‌ای که درشرایط کنونی بهیچوجه با منافع پروولتاریا و خلق زحمتکش کسرده نفاطی ندارد مسدود کرده و اتحاد خود را با خلقهای سراسر ایران مستحکم گرداند.

و اینها همه جز در پرتومبارزات یک -بازجه خلقهای ایران برهبری طبقه کارگردر جهت انهدام سیستم سرمایه‌داری وابسته و استقرار جمهوری دمکراتیک خلق، مسسر نخواهد شد.

### دلالتان ارتجاع طرح میدهند!

رویزیونیست‌های مرتد حزب توده درست در اینجا همچنان به جمله بردازبهای تنگ و خوشایند خود ادامه داده، اظهارمیدارند "حزب توده ایران طی چندین سند رسمی که پس از آغاز حوادث اسفبار گردستان انتشار داده، خواستار آن شده است که تنگها -خاموش گردند و در محیط برادری، درحد -اعلای تفاهم و حس مسئولیت برای سرنوشت انقلاب ایران، بخاطر رسیدن به هدفهای زبرین، مذاکره بعمل آید:

- ۱- تامین خواستهای بحق و مشروع مردم گردستان در زمینه پایان دادن به محرومیت‌های ملی.
- ۲- تامین اتحاد همه نیروهای راستین ضد انقلابی برای ریشه کن ساختن عوامل امپریالیسم سرکوبگرگی امیر-بالیم آمریکا، مهبونیسم، ارتجاع و رژیم‌پهلوی در منطقه گردستان و سراسر ایران". (همانجا)

اما آشکار است که رویزیونیست‌های وطنی ما این جامه پرزرق و برق را بطن میکنند و به این جمله بردازبهای خوشایند تمسول می-گردند تا ما هیت سیاست و خط مشی خود یعنی راستن سیاست بورژواشی خود با پوشش کمونیستی، فدا کردن منافع طبقه کارگر و خلقهای ایران در آستان بورژوازی را، از دید توده‌ها پنهان دارند. رویزیونیست‌های مرتد حزب توده، همانند همبالکبها پشان در سراسر جهان میکوشندتا بین توده‌ها و بورژوازی پلی برقرارکنند و آنها رابه‌زیر یوغ بردگی بورژوازی و ارتجاع پکشانند. لنین بزرگ چه خوب و بجا میگفت و قتی ←

روزیونیستها را " قهرمانان مکتب دلالسی بورژوازی " می نامید. چگونه وقتی بای عمل میرسد و حرفها میبایستی نطق پیدا کنند و از روزیونیستها میبرسیم که این "خواست - های بحق و مشروع مردم کردستان در زمینه پایان به محرومیتهای ملی " در صورت مشخص و معلوم آن چیست و چگونه باید متحقق باشد؟ خود آنها در مقاله مذکورشان پاسخ میدهند: " آن خواهستهایی که با جمهوری اسلامی مطابقت ندارد و دولت باید عملاً حسن نیت خود را نشان دهد " . ( همانجا ) وقتی سی - برسیم این " منعکس کنندهان روتی غسر د انسانی ، ندای وجدان و حس برادری " و " وزیر مسئول " چه کسانی هستند که درصدد برآمده اند " اعمال انسانی " را در حق خلق کرد انجام دهند؟ باز پاسخ میدهند: " نماینده اعزامی امام خمینی به غرب کشور استاندار آذربایجان غربی (حکوق عفر نهفت آزاد ی بازگان ) ، فرمانده پادگان و فرماندار نهاباد ، نماینده اعزامی نخست وزیر ، فرمانده سپاه پاسداران و گروهی از مردم شهر " که محض خالی نبودن عریضه بشوهر رژیم سابق در پایان سخن آمده و " آقای داریوش فروهر وزیر مشاور " یعنی " برادرانی " که در " محیط برادری ، در حد اعلاقی تفاهم و حسن مشولیت برای سرنوشت انقلاب ایران " دور هم نشسته و بزعم روزیونیستهای مرتد حزب توده قصد این دارند و میتوانند " بطسور سلامت آمیز به مکرانیک و انسانی " مسئله کردها را حل کنند ، کسانی نیستند جز اتحاد طبقات میم قشره های ازنمایندگان روحانیت متروعه طلب ، بورژوازی لیبرال و فرماندهان مزدور ارتش ضد خلقی که تحت فرماندهی آنها امروزه خلق کرد زیر رگبار مسلسلها و تانکهای امپریالیستی قرار دارد . از همینجا مفهوم واقعی " اتحاد همه نیروهای راستین انقلابی " عیان میگردد و عبارت زیر به هرحه بیشتر روشن شدن آن کمک میکند ، " حزب توده ایران با اطمینان قاطع به امکان حل صلامت آمیز و مردمی این مشکل ، آماده شرکت در این امر خیر و کسک و یاری به حکومت جمهوری اسلامی ایران است . ( همانجا ) که مفهوم رگ و راست حمله بسالا چنین میشود: حال که همه " نیروهای راستین انقلاب " و خادم حکومت جمهوری اسلامی گرد هم آمده و برای " سرنوشت " انقلاب ایران و " رهائی " میهن از یک مخممه خونین و ناخواسته " وارد مذاکره شده اند ، تنها نماینده " حزب توده ایران " غایب است که او نیز باید دعوت شود تا ترکیب جمیع کابل و " اتحاد همه نیروهای راستین انقلاب " تا سبن گردد . بصارت دیگر " حزب توده ایران " وابستگی کامل و تعلق خاطر خود را به سیاست و خط مشی نوع اول یعنی سیاست و خط مشی هیئت حاکمه کنونی ، با وضوح تمام بیان میکند . اما سیاست حزب توده در اینجانه یک همخوانی نمادنی و تاکتیکی جهت پیشبرد اهداف ، بلکه ناشی از یک همخوانی استراتژیکی با سیاست و خط مشی هیئت حاکمه

میباشد . در این مورد مراجعه به اعلامیه کمیته مرکزی روزیونیستهای مرتد حزب توده بتاریخ ۱۰ اردیبهشت ۱۳۵۸ همه چیز را آشکارا نشان میدهد: " پیشرفت جنبش دهسها میلیونی خلق ، زیر رهبری بیگمیر و قاطع و آشتی ناپذیر امام خمینی ، با هدف گیری منحص و بدون تزلزل در جهت براندازی خشن نظام فاسد و پوسیده سلطنتی ، در راه پیشه کن ساختن تسلط سیاسی ، نظامی ، اقتصادی و

● روزیونیستهای حزب توده ، خا - شنا نه تلاش میکنند ، ما هیئت واقعی سیاست و عملکرد رژیم را در مورد خلق کرد بیپوشا کنند .

● روزیونیستهای حزب توده ، احکام اصولی ما رگسیم - لنینیسم را دربر - خورده به طبقات غیر پرولتری زیر پسا گذاشته اند .

فرهنگی امپریالیستها و در درجه اول امپریالیسم آمریکا و صهیونیست ها از سراسر زندگی اجتماعی ، درراه شامین کامل آزادیها و ارزشهای انسانی برای همه مردم محروم " و شریف و تعلق های بیگران دیگر که در واقع کلیه وظایف و رسالت های طبقه کارگر را در انقلاب مکرانیک و خدا میر - یالستی برهبری خرده بورژوازی مرفه متستی تفویض میکنند . ( کلیه تاکیدهها از ماست ) . موقع سازمان ما در قبال مسئله ملی چه بوده است ؟

اما سازمان ما بعنوان بخشی از جنبش کمونیستی میهمانان از همان فردای قیام و سقوط سلطنت ما وضوح تمام اظهار داشته است که رهبری خرده بورژوازی مرفه متستی غیرم دارا بودن فرصت محدود و امپریالیستی ائ محاط ترس از امعا " مالکت خصوصی ، نزدیکی طبقاتی به بورژوازی و حاکمیت تفکرتنری نمی تواند انقلاب را بهروز مندانه به سر حستزل خود برساند . او ناچار است در نیمه راه مکان انقلاب را بدستهای ناخوان بورژوازی خاشن لیبرال سپارد که او نیز مسلماً با آسودگی خاطر آرمانهای اخیل انقلاب را زیر خاک مدفون ساخته و مناسبات سرمایه داری و اجسته لطمه دیده را ترمیم و تحکیم خواهد کرد: " توده ها در پس شمار " مرگ بر شاه " و " نابودی سلطنت " نابودی نظام قار شگروانه سرمایه داری وابسته را جستجو میکنند ، و این همان سیاسی بود که قیام میهن ما در خود نهفته داشت . این پیام را هم امپریالیسم و هم لیبرالهای ما با کینه و وحشت احساس کردند ... لیبرالها و همچنین خرده بورژوازی نیز که از بروز " ناگهانی " قیام صیهوت و



سراسیمه گشته بود ، هریک بنحوی و از موضعی به ممانعت از گسترش دامنه قیام برآمدند ... خرده بورژوازی وقتیکه در موضع تسلط سیاسی قرار گرفت ، عملاً نا توانی ، ناپیگیری طققاتی و بی برنامگی سیاسی خود را بطور آشکار و روشنی بنمایش گذاشت و زمانیکه در کشاکش این ضعف و نا توانی ، فاقد یک تکیه گاه سیاسی تشکیل داتی پرولتاریا میاشی بود ، بناچار به بورژوازی و سیاست و خط مشی و برنامه او روی آورد ... به بصارت دیگر ارگان دولتی را حاضر و آماده و پیش از آنکه متصرف شود ، بطور عمده در اختیار بورژوازی لیبرال قرار داد و بدین ترتیب درست به آن چیزی که امپریالیسم نیز پس از شمام شکستها و عقب نشینی ها برای به تحقق رسانیدن آن تلاش بسیار ورزیده بود ، جامه عمل پوشاند . ( " پیکار شماره ۸ ، نتایج قیام میهن ما و ... ) همچنین سازمان مادر نشریه پیکار توضیح میداد:

" سیستم حکومتی فعلی قادر به حل مسئله ملی نیست ، زیرا که قادر به درک موضوع نمی باشد ... او در صورت رشد و دامنگیری جنبشهای ملی چاره ای ندارد جز اینکه تحت لوای " نجات میهن " و " نجات انقلاب " به سرکوبی بیرحمانه متحمل شده ، خلقها را به خاک و خون کشد ، اگر توان و وسعت جنبشهای ملی چنان باشد که از حمایت بیدریغ و وسیع توده ها برخوردار باشد ، طوری که با سرکوب و نطفه کاری نتواند از پیش ببرد ، ناچار برای آرام کردن اوضاع و تحکیم موقعیت خود بر سر میز سازش و معامله بافتودالها بورژوازی خواهد نشست ... ضرورت سیاسی به حقوق ملی در چارچوب جنبش حکومتی مجز خام خیالی ، ساده لوحی ، خوش باوری و فریب توده ها چیز دیگری نمی تواند باشد . اگر جنبش های ملی در جهت نابودی کامل طلفه و نفوذ امپریالیسم حرکت نکنند و ذهن توده ها را نسبت به اهداف عادلانه خود روشن سازند ، روز بروز ناصیونالیسم ارتجاعی بورژوازی زمینه رشد بیشتری یافته و ذهن توده ها را در چارچوب تنگ و فاسد کشنده خود به بند خواهد کشید . در این حالت بورژوازی ، فثودال ها و عناصر ارتجاعی فرصت مناسبی بدست خواهند آورد تا عیان جنبش های ملی را ... بدست خود گیرند ... برای تقسیم غنائیم و حفظ موقعیت ممتاز و استعمارگرانه قبلی خود با بورژوازی حاکم به سازش آشکار و بی پرده تن در دهند ... جنبشهای ملی در چنین شرایطی آینده ای جز شکست نخواهند داشت ، مگر اینکه تمامی تلاش خود را در جهت تحکیم وحدت و همبستگی خلقهای سراسر ایران و پیوند ارگانیک جنبشهای ملی با انقلاب دمکراتیک و ضد امپریالیستی سراسری و حرکت در جهت نابودی کامل حاکمیت و نفوذ امپریالیسم در سراسر میهمان نگار برسند " ( پیکار شماره ۴ ، ۳۱ اردیبهشت ، درباره مسئله ملی ... ) امروز جریان زندگی محست گفتارهای ما را تا شامد میکند .

بقیه در صفحه ۱۶

توضیح: به نقل از  
خروش کارگر، هوادار سازمان

### نامه یک کارگر به قطب زاده

حضور آقای قطب زاده سرپرست مهد شکن رادیو تلویزیون  
جمهوری اسلامی ایران

## اینست معنی پشتیبانی از "پابرهنگان" و "مستضعفان"؟

بمدان مدت‌ها صبر و حوصله و انتظار کشیدن ، امسروز  
می‌خواهم بیشتری به عقده‌های دلم بزنم و از بهمان شکلی‌ها  
نالده سردهم . اما آنچه در دل دارم نمی‌توانم بر زسان و  
کاغذ آورم . رنج‌هایم آنقدر برایم مانوس شده‌اند و درد‌ها  
آنچنان در خانه‌های دلم ما را کزیده‌اند که کوشی حساب  
ترک براندازند . از تمام درد‌ها نمی‌توانم دم‌زنم و غنط‌از  
چیزی که بیشتر آتشم زده صحبت می‌کنم و آن بهمان شکلی  
و خلف وعده هاست .

آقای قطب زاده ، شما مارها در حضور ملت ایران چهار طریق  
رادیو و تلویزیون و چه از طریق مطبوعات و سخنرانی‌های  
مختلف تان در مکان‌های گوناگون صحبت از این کرده اید که  
حقوق کارگران سازمان رادیو تلویزیون از ۲۵۰۰ تومان کمتر  
بست و حقوق همه آنها به این حد رسیده و گمانیکه خلاف  
این را می‌گویند بروغ می‌باشند .

امادون اینکه این مسئله را کاملاً نفی کرده باشم باید  
بگویم که من و حدود سیصد و سی تن دیگر نظیر من بی‌کاری  
خدمات و کاخداری سازمان رادیو تلویزیون که از طریق شرکت  
سوس دفاتر جارته می‌سازمان رادیو تلویزیون معرفی  
شده‌ام از مزایاتی که شما مارها نام برده‌اید بی‌بهره  
مانده‌ایم و با وجود قول‌ها و وعده‌های مکرر هنوز دست ما به  
حالی بند نیست .

من یک کارگر ساده هستم با ۲۵ سال سی و تاکنون بی‌کسی و  
چیزی را می‌ندامم و فقط بکار را می‌داده‌ام آنچه سه  
جمهوری اسلامی ایران بوده است . تک تک سلولهای بدن  
من فریاد اسلام را سر داده‌اند و اکنون می‌بینم دست‌اندرکاران  
و مسئولین امور مملکتی دارند من را از حسین را می‌دانسی  
تسمان می‌کنند . چرا با ما چنین می‌کنند؟ مسئولان دوران  
طاغوت برایمان کاری نمی‌کردند اما مرتضی دم از پابرهنگها  
و مستضعف و کارگر هم نمی‌زدند .

اما شما که از ما دم می‌زنند چرا تاکنون درد‌دل ما  
را نپرسیده‌اید و سوانتی از کارگر پرورد نمی‌گیرید . دلم خون  
است و بیشتر از این نمی‌توانم چیزی بگویم . فقط دو بیست  
شعر در این مورد بخاطر می‌آید که می‌نویسم :

با وفا خود نبود در عالم پاکس در زمانه‌ها نکرود  
منسوخ‌نهمه‌روسومدم گشتوفا زین‌خردونامه‌اند چون سیم‌غوکیمیا

حسین پور طاهر افند  
کارگر خدمات و کاخداری سازمان رادیو تلویزیون جمهوری اسلامی  
ایران

و این در حالی است که بسیاری از کارگر  
ان زحمتکش همین سازمان با هفت هشت سر  
عائله در یک اتاق محقر در جنوبی ترین  
نقاط شهران آتشم با حداقل وسایل زندگی ،  
تحت فشار ماحیانه و هزاران مشکل کم‌ترکن  
دیگر هستند .

اینست پشتیبانی از " پابرهنگان " و  
"مستضعفان " و کارگران ، که اینجهمه‌تنگ -  
شان را بسینه می‌زنید و "بخاطرشان" پستان  
به تنور می‌چسانند ؟

( فتوکپی نامه‌ها را از ختربیه جام جم ،  
ارگان شورای موسس اتحادیه کارکنان رادیو  
تلویزیون - شماره اول - شهرسور ۵۸ در  
آورده‌ایم )

### "خروش کارگر"

هوادار سازمان پیکار در راه آزادی طبقه کارگر

این نامه‌ای است که یک کارگر سازمان  
رادیو و تلویزیون به قطب زاده سرپرست  
این سازمان نوشته است . بطوریکه می‌بینیم  
این کارگر در نامه‌اش بوضوح شرح داده که  
پس از چند سال کار ، برخلاف شلیمفات خلاف  
واقع قطب زاده در مورد اینکه " هیچکس در  
تلویزیون کمتر از ۲۵۰۰ تومان در ماه نمی-  
گیرد " و او "مدافع" پابرهنگها و مستضعفان  
است و ... حقوق این کارگر کمتر از ۲۵۰۰  
تومان در ماه است .

در ضمن فتوکپی نامه‌های رادرا پنجا  
می‌آوریم که قطب زاده به "علاقه‌مند" نوشته  
و دستور داده که یکی از آپارتمانهای  
سازمان را در اختیار یکی از " برادران"  
به اسم آقای پرویز اطمینان بدهند ، که صد  
الیه آقای علاقه‌مند هم آپارتمانی در  
" لیلیا پارک " با "سایل اولیه لازم !" در  
اختیار ایشان قرار داده‌اند . باز هم فتوکپی  
دیگری است که همین دوست قطب زاده یعنی  
اطمینان از انبار اموال جهت " منسزل  
مدیران " تلفن ، جارو برقی ، تلویزیون  
رنگی و صدلی گردان چرخدار!! گرفته‌اند .  
جالب اینجاست که همین آقای اطمینان  
به برکت دوستی با قطب زاده ماهی ۱۲۰۰۰  
تومان حقوق میگیرد ، اتومبیل آخرین سیستم  
از طرف تلویزیون در اختیارش گذاشته‌اند ،  
وجه آب و برق ، تلفن و ... منزل او را  
سازمان میبردازد و مادر اختیار داشتن  
این خانه حق مسکن! هم میگیرد .

تجدیدیه‌ها می‌صاید مسائل طبقه در راه آزادی اموال حیده ایشاده در نامه

سرپرست  
سازمان پیکار  
مسئول اموال سازمان

سرپرست  
رادیو تلویزیون ملی ایران  
حیره‌فل

۵۸-۱-۱۳

بچه‌ها رو با هم  
بچه‌ها رو با هم  
بچه‌ها رو با هم  
بچه‌ها رو با هم  
بچه‌ها رو با هم  
بچه‌ها رو با هم  
بچه‌ها رو با هم  
بچه‌ها رو با هم  
بچه‌ها رو با هم  
بچه‌ها رو با هم

بچه‌ها رو با هم  
بچه‌ها رو با هم  
بچه‌ها رو با هم  
بچه‌ها رو با هم  
بچه‌ها رو با هم  
بچه‌ها رو با هم  
بچه‌ها رو با هم  
بچه‌ها رو با هم  
بچه‌ها رو با هم  
بچه‌ها رو با هم

شماره اموال	عنوان	توضیحات
۱	۴۲۰۵۰	مظن برومیری ساده
۲	۴۲۲۸۱	جارو برقی AEB
۳	۱۹۵۲۴	تلفن رنگی پارک
۴	۴۲۱۷۵	مشکله سوانت چرخدار

... ۳۳۰۰ شم ۷۴۰۰ می‌صاید مسکن ...

# ۱۳ آبان

## روزی که خون دانشجو با خون توده‌های زحمتکش بر سنگفرش دانشگاه بهم آمیخت

نقش فعال و مبارزه جویانه دانشجویان در جنبش دمکراتیک ضد امپریالیستی ایران سبب شده است که خلق زحمتکش ما نام دانشجو و دانشگاه را مترادف با مبارزه بنفوسه و بداندو دانشجویان انقلابی، این فرزندان خلف خویش را گرامی بدارد. و درست بهمین دلیل بود که دانشجو و دانشگاه همواره مورد نفرت رژیم ضد خلقی پهلوی بوده و بطور عدام از طرف چکمه پوستانش مورد تهاجم قرار میگرفت. لکن آنها هیچ گاه نتوانستند، حتی در سباهترین سالهای اختناق، شور و شوق مبارزه جوشی دانشجو-یان را بختکانند و جنبش دانشجویی را فرو بختانند. دانشجویان انقلابی و آگاه همواره پرچم سرخ مبارزه را برافراشته نگذاشته داشتند.

بستند، و نشان دادند که چه سان از پیوند دانشجویان با توده‌ها جدا دارند. اما آتش گلوله‌های دشمن نه تنها نتوانست این پیوند را از هم بکشد بلکه آنرا آبدیده تر و خللناپذیرتر از پیش ساخت. مبارزات خونین خلق با هر قطره خونی که شثار میشد اوج بیشتری میگرفت. مبارزاتی که سرانجام طومار دستگاه سنگین سلطنت را درهم پیچید مبارزاتی که هم اکنون نیز در جهت قطع کامل سلطه و نفوذ امپریالیسم همجنان ادامه دارد.

آری مبارزه خلق ادامه دارد و هر روز پیش از پیش ادامه و اوج بیشتری میگردد در این میان دانشگاه همچنان سنگر آزادی خواهد ماند.

در دوره اعتلای جنبش خلق بر علیه رژیم مزدور پهلوی نیز دانشگاه به تابستگی نقش خویش را ایفا نمود و اقدامات جنایتکارانه رژیم پهلوی برای شعلگی دانشگاه، این سنگر آزادی، جملگی با شکست مواجه شد. دانشگاه به سنگر نشر افکار و اندیشه‌های مترقی و حفظ مداوم مبارزات خلق بدل گشته بود. پیوند مردم با دانشجویان ایستاد جدیدی بخود گرفته بود که شرکت یکپارچه آنها در راه آزادی و استقلال کشور روز بروز آنرا جاندارتر و محکمتر می ساخت.

روز ۱۳ آبان ماه ۵۷، این پیوند مقدس با خون شمر شد، روزی که دژخیمان پهلوی مردم را از پشت صیله‌های دانشگاه بگلوله



### از باغ و بودن

موج خروشان انقلاب دمکراتیک - ضد امپریالیستی، توده‌ها که همه سبیل‌های وابستگی و دیکتاتوری را نشانه گرفته بود محسمه شاه خاش در محیط مقدس دانشگاه را ۱۳ آبان ماه ۵۷ بدست دانشجویان رزمنده بزیور میکنند و این نشانه دیکتاتوری و وابستگی را به زباله دان تاریخ میافکند. در زیر رگبار ارتش شاه خاش، دانشجویان فهیمانانه جانبازی می کردند و از "نیبود" خویش، "بود" خلق و ایران آزاد و مستقل و آباد را پی می ریحتمند. شعر زیر در پرشرو این حماسه، تولد یافته است.

### از باغ و بودن

در مقطع شهادت و تردید  
دیدی چگونه باور  
بیک چشم بسته  
چشم دگر باز  
محو شگوه رفتن و افتادن تو بود.  
در مقطع نبودن و بودن  
جاشی که بودن تو نبودن بود  
تو بود را ندیده گرفتی  
و بودن از نبود تو می روئید  
گفتند و باز گفتند  
کاین باغ را دگر تن رویش نیست  
و آن غنچه کاغذی ست  
و آن کاج، و این نفس باغ است.  
گفتند و باز گفتند  
کاین مهرگان  
اگر نه  
آن آبان  
این آخرین نشانه نشأت را  
این کاج را

اما شود تراکم تاریکی  
تردید را بهانه نکردی  
بای تو در تراکم و تردید و شب نماند  
سخنی تو از تهاجم اعداد تن نزد  
جهد تو را بنام  
جهت  
اشبات روشناسی در شب بود  
بحبوه تهاجم شب را  
در مقطع شهادت دیدیم  
بحبوه تهاجم شب  
اما  
در هرم باور تو بخود لرزید  
باور به نور می انجامد  
تردید و تهاجم  
می میرد  
در مقطع شهادت  
باور  
بحبوه تهاجم شب را دید  
شب از تهاجم تو هرامان بود  
در مقطع شهادت و تردید  
دیدی چگونه باور  
بیک چشم بسته  
چشم دگر باز  
محو شگوه رفتن و افتادن تو بود.

در ذهن نسیم خفته آن باغ می کشد  
اما تو راز خفته رویش بودی  
پنهان به ذهن باغ  
در مقطع شکفتن و خفتن  
دیدی دوباره باور  
بیک چشم بسته  
چشم دگر باز  
لبغند اعتراف ترا می دیدم.  
بزمردن تو مزده رویش بود  
در گوش گاجها  
در مقطع شهادت  
تردید  
آن سوی باور تو  
به خود لرزید  
آنگاه تو  
در خفتن از شکفتن می گفتی  
دیدی که خفتن تو  
آغاز فصل رویش بود  
جاری به نفس باغ  
در مقطع شهادت  
گاهی  
خفتن شکفتن است  
رفتن به سوی باور  
رویش به سوی نور  
بحبوه تهاجم شب بود  
بحبوه تلاقی اعداد

(ع - ح)

### هموطنان مبارز! رفقای گرامی!

ما زمان ما همواره با پشتیبانی و حمایت همه جا نمد شما توانسته است اهدا ف انقلابی خود را پیش برد. امروز با توجه به محدودیتها شبکه ارتجاع پیش پای ما گذارده و ایستگاه مکانات کانالیای علتی و نیمه علتی تا حد زیادی زمین رفتند. ما بیش از هر موقع دیگر نیاز مند پشتیبانی شما هستیم. کمکهای مالی خود را از هر طریق که میتوانید بدست ما برسانید.

## گزارشی از شهرک ولی عصر

حما عتی از زن و مردوری زمین نشسته بودند و راه عبور و مرور ماشین ها را بسته بودند. پاسداران سعی میکردند با زور و فشار و تهدید، مردم را عقب برانند و راه باز کنند. اما بی فایده بود، مردم و بخصوص زنان سخت مقاومت میکردند و حاضر نبودند، قدمی عقب نشینی کنند. بلندگوی زندان اوین، مردم را به آرامش و کناره رفتن از جلوی در دعوت میکرد و یک نفر با بلندگوی دستی از میان جمعیت، مردم را تشویق میکرد که از جای خودتکان نخورند. تکفوت آور، کوردلی مسئولین زندان بود که مابسی توجهی به نیروی اعجاب آورنده هسا (توده های که توانسته بودند زندانی را فتح کنند که این آقا بان قبل از آن جرات نمی کردند از چند کیلومتری آن بگذرند) همچنان میخواهند با روشهای آریا مری، پاسخ خواسته های مردم را با زور بدهند. آنچه که در زیر می خوانید، مشاهدات و حاصل گفتگوشی است با چند نفر از اهالی شهرک ولی عصر که در مقابل زندان اوین اجتماع کرده بودند.

شهرک ولی عصر (ولیمهداسق) با جمعیتی حدود ۳۰۰۰ نفر در جاده و واقع است، و از شمال به پادشاه آباد جنوب به حسین آباد محدود میشود. زمینهای این منطقه در زمان رضا خان قدر ارزشمند و متعلق به فردی بنام غیاثی بود که بعد از مرگش میان ورثه اش تقسیم می شود. اینست که اکثر مالکان محل با هم فامیل اند و در میان آنها حاج علی غیاثی صاحب کار - خانجات با فندگی ما زندان، با فندگی چو خا و شریک همسایگان در کاخانجات ابرقو و اسفند قرار دارد. مردم این شهرک سال ها است که تحت ستم و استعمار بوده و از کمترین امکانات رفاهی نیز (بیمارستان، پستارک، اسفالت و...) محروم اند. قبل از قیام به جرم سکونت در خارج از محدوده، بارها با ما موریین شهرداری درگیر میشوند و چندین بار، سرینا هاش را سرشان خراب میکنند. چنین است که مردم محل سابقه مبارزاتی طولانی دارند.

شهرک ولی عصر از جهت آب و برق در منطقه است. برق منطقه از طریق انشعابات "غیر قانونی" تامین میشود، و تقریباً هر شب، در ساعاتی که مصرف برق زیاد است، قطع میشود. برای کشیدن برق از طریق قانونی هم پس از ماها دوندگی تا راه پادشاه و ده هزار تومان حق انشعاب داد که با در نظر گرفتن متوسط درآمد زندگی مردم محل میلیتی بسیار بالاست. اما آب لوله کشی، حدود ۷ سال پیش که خانه سازی در شهرک بالا میگرد و شهرداری به علت خارج از محدوده بودن، اجازه لوله کشی به ما کتیب محل را ندادند، علی غیاثی (۱) غارتگر بزرگ راه تازه ای برای غارت مردم پیدا می کند. وی بفکرمی افتد، آب چاهی را که برای کارهای کشاورزی حفر کرده بودند، اها لوله می بفرودند. به این منظور بمب و مخزنی نصب می کند و شروع به دادن انشعاب و فروش آب میکند.

غیاثی بعد از مدتی انشعاب فروشی را که حالا دیگر اداره و دفتر دستکی هم برایش درست کرده و اسمش را "زمان آب" گذاشته بود، به شخصی بنام بختیار به مبلغ ۲ میلیون تومان میفروشد. بختیار سرپرستی با زمان آب را به

## اتحاد زحمتکشان ضامن پیروزی است

زالوی دیگری بنام گرمی که خود از افسران مسئولیت که با هزار جور کلک و کلاهبرداری از طریق بورس بازاری شروشی بهم زده است میباشد. این دو موجود، دست در دست هم شروع به فروش آب و دادن انشعاب میکنند. برای هر متر مکعب آب ۱۰ تومان، علاوه مبلغ قابل توجهی حق انشعاب، که روی هم برای هر متر مکعب ان منطقه پول زیادی بود و به آنها فشار می آورد. این دو برای آنکه پوشش مناسبتی به غارتگریشان بدهند، یک تابلوی "خبر به مهدی" هم در میان زمان آب نصب کردند و چنین وانمود میکنند که در راه خدا کار میکنند و میخواهند با راه "خبر به" تبدیل کنند! بختیار و گرمی بعدها، قیمت آب را از مترمکعبی ۱۰ تومان به ۳۰ تومان، ۴۰ تومان می رسانند بدون اینکه در برابر پولهای که از مردم میگیرند، رسیدی تحویل دهند. با اوج گیری منازعات مردم، اعتراض اهالی این منطقه سبزه "زمان آب" شد میگیرد. یک ماه پس از قیام که شورای ۱۲ نفری مسئول انشعاب میشود، سراغ اداره مذکور میرود تا بحالیش رسیدگی کند. گرمی و بختیار که حالا دیگر تابلوی خبر به را پاشین کشیده بودند، با وعده های دروغ و قولهای ظاهراً معتد، ۵۰۴ ماهی مردم را برمی دوانند. تا اینکه حدود دو ماه قبل شورای محل به آنها اعلام میکنند که "شما نزدیک به ۱۲ میلیون تومان پول از مردم گرفته اید، از اینرو با بدعا رجسی از قسبل، لوله کشی، بمب تا سیسات را کم کنید و بقیه را برگردانید تا خارج عمران و آبادی منطقه شود. همچنین باید امتیاز و اداره ما را - ما را هم بمردم بسیارید." بختیار و گرمی زیر بار نمی روند. شورای محل (۲) روز به آنها فرصت میدهد تا حساب خود را روشن کنند. طی نشستی، بختیار و گرمی منکر دریا قسبت مبلغ بالامین شوند، مردم ناچار آنها را به کمیته

محل میبرند و در آنجا از گرمی یک چک ۵ میلیون تومانی و با سیورش را میگیرند و چند روز مهلت میدهد تا پول را بپردازد. ولی از این کنار هم نتیجه ای نمیگیرند. روز چهارشنبه ۵۸/۷/۵ مردم بخصوص آنها که آب نداشتند به در خواست شورا که آنها را اقرا خوانده بود روبروی "زمان آب" اجتماع میکنند و آنها با دومیی بوس، به کمیته محل رفته و خواستار تحویل دادن گرمی و بختیار میشوند. مردم می گویند: "این دورا به هیدنا خودمان محاکمه - شان کنیم". سرانجام کمیته محل این دو نفر را به همراه چند پاسدار و در راه لیکه دومیی - بوس از مردم گذرستان میگردید زندان اوین می فرستند.

در آنجا در راهی با پاسداران و دو متهم بازمیکنند، اما مردم را بداخل راه شهیدند صدای اعتراض آنها بلند میشود. از آنجا که مردم به مسئولین زندان اعتراض نداشتند، لذا نگران این بودند که میباید گرمی و بختیار با کلک و اعمال نفوذ مسئله را به نفع خود تمام کنند و کار را رگزدند. نمانندگان مردم برای دربان توضیح میدهند و را میخوانند که با آنها را بداخل راه دهد و یا اینکه یک نفر مسئول با آنها صحبت کند. وقتی جواب درستی نمی شوند، تصمیم میگیرند روی زمین بنشینند و راه ما بختیار را بندید و روند هر این موقع یک نفر خبر می آورد که نمانده ای انتخاب کنید تا بیاید داخل. مردم و بخصوص زنان شدیداً اعتراض میکنند و میگویند، باید همه باشند. فشار و تهدید پاسدارها هم نه تنها آنها را عقب نشیراند، بلکه باعث میشود مصمم تروری زمین بنشینند.

با پاسدارانی میان جمعیت آمد و خواست که ما چرا را برایش تحریف کنند. چند نمانده مختصرآرایش توضیح دادند و گفتند: "مردم نگرانند عدالت درست اجرا شود، بهمین دلیل کار و زندگیشان را ول کرده اند و اینجا آمده اند." وی قول داد که کمکان کند. رفت شو و پس از چند دقیقه برگشت که در دفتر نمانده بیاید داخل. دومردا انشعاب کشیده میبروند، اما زنان اعتراض کردند که با بهدیگی از این دو نفر زن باشند. پذیرفته شد و یک مرد داخل شدند. مدتی گذشت، نمانندگان برگشتند که ما دنبال کارها هستیم. هرکس میخواهد برود، بخصوص زنها که بچه های کوچک دارند. زنان با یک منشی - بوس رفتند و مردها ماندند. این با رجهسار نمانده داخل زندان شدند و نمانندگان چند ساعت بعد برگشتند و نتیجه را اعلام کردند: "گرمی و بختیار برای محاکمه زندانی شدند و به مردم اجازه داده شد که خودشان اداره "زمان آب" را بدست گیرند و اقدامات خود را بکنند!"

(۳) - دوش از برادران میانی که یکپشان سها مدارتت با رین بود. نراری اند (فرمان چون بوده اند) ولی خودی به علت دوستی سردیگ ما بازرگان از یک طرف و اینکه دوسه ماه قبل از قیام به بار رین رفته و مسلطی تک مالسی کرده، از طرف دیگر، عیسان به استعمار خلق، ادامه میدهد. ■



## مبارزات بیکاران در شهرهای شمالی

زدن لاینیک و کاغذ خرید کردن کمیوک را نمائی و رانندگی محدداً در میدان اجتماع کرده و به خواندن قطعه‌نامه می پردازند. تظاهرات بیکاران در ساعت ۳ بعد از ظهر به پایان می رسد. برخی از شعارهای تظاهرات کنندگان چنین بودند:

بیکاری، گرانی نابود باید گردد  
اتحاد، اتحاد علیه سرمایه دار  
برای ایجاد کار

جنا پت کردستان در انزلی تکرار شد  
رزمنده\* خلق کرد، درود خلق ایران  
بیرتو باد

درد دولت اسلامی، کارگر انزلی،  
غرق بخون شد

مرگ بر سرمایه دار، عامل بیکاری ما  
و ...

### بایلسر

مبارزات فارغ التحصیلان این شهر هم - چنان ادامه دارد، بدون اینکه امید به حصول نتیجه مثبت بوده باشد. روز ۵۸/۷/۲۳ نیز بایلسر همچون چندین شهر دیگر، شاهد راه پیمایی بیکاران بود.

### آمل

دنبله‌های بیکار و همچنین سپاهیان دانتن منقعی خدمت این شهر همچنان بسیاری استخدام در آموزش و پرورش سازده میکنند، تحصن را همپاشی و صدور قطعه‌نامه های پی در پی تنها نتیجه‌ای که داشته مشکل ترشدن حقوق بیکاران و همچنین رسیدن به این حقیقت است که این دولت را برای پاسخ دادن به مسائل خود هده نیست.

### محمودآباد

فارغ التحصیلان بیکار محمودآباد دوحومه پس از بیست و چهار روز تحصن با توجه به اینکه جواب مثبتی از مسئولان امر دریافت نکردند، در روز ۵۸/۷/۲۴ به اتفاق شورای هماهنگی فارغ التحصیلان بیکار و زنداران، از کلیه دانش آموزان و دیگر اقشار خلق دعوت به یک راهپیمایی نمودند. این راهپیمایی با خواندن قطعه‌نامه‌ای به پایان رسید که در آن حمایت از بیکاران سراسر کشور، لغو فاشنامه صنع استخدام، آزادی باران زندانی و ... را حواستاری کردند. تحصن بیکاران تا حصول خواستها همچنان ادامه دارد. ■

مبارزات بیکاران در شهرهای شمالی برای خلاصی از وضع اسفناار موجود، ایجاد وسیعی بخودگرفته است. ستا سفانه کمیسود جا و محدودیت صفحات روزنامه مانع از این شد که بتوانیم مشروح گزارشتی را که رفقا و هواداران سازمان تهیه کرده بودند در اختیار خوانندگان بگذاریم. با عرض پوزش به ذکر فهرست وار گزارشات اکتفا می کنیم.

### رشت

نارغ التحصیلان بیکار استان گیلان که بالغ بر ۱۴ هزار نفرند طبق قرار قبلی به مناسبت راهپیمایی نراسری نارغ التحصیلان بیکار سراسر کشور در ساعت ۱۰/۵ روز سه - شنبه ۵۸/۷/۲۴ در محل آموزش و پرورش گرد آمده و دست به راهپیمایی میزنند. عده‌ای از خانواده‌های نارغ التحصیلان نیز در این راهپیمایی شرکت داشتند. حدود ۵۰۰ کارگر بیکار، زن و مرد نیز با حمل پلاکاردهایی که روی آنها نوشته شده بود: " کار، کار، کار ایجاد باید کرد"، " حقوق بیکاری پرداخت باید کرد" و چند شعار دیگر با هدف مستقل خود به راهپیمایان پیوستند. نظار کنندگان که تعدادشان به دهها هزار نفر میرسید، نزدیک بانک ملی رشت با صدودی مجلسوم - الحال مرتجع که کارشان بهم زدن تظاهرات و تحصن و با پاره کردن اعلامیه است، برخورد نمودند. نظار کنندگان با شعار " کار، کار حق مسلم ماست"، اخلاگران را که مسلح به چاقو و قمه بودند فراری میدهند، تظاهرات کنندگان ضمن درگیریهایی که حدود ۳۰ تن زخمی بر جای گذاشت، راه خود را بطرف شهرداری و سپس استانداری بازگردند. مردم با شعار " استاندار، استاندار ما می رسد به دار" خشم و نفرت خود را نسبت به دولت سرما به داران ابراز نمودند. در این اجتماع شما بنده کارگران بیکار پروژهای گیلان ضمن سخنرانی خود دولت بازگان را دولت حامی سرما به داران خواند و گفت که حل معضلات کنونی کشور از عهده این دولت خارج است و ما مبارزه خود را تا سرنگونی رژیم سرما - بهداری وابسته ادامه خواهیم داد.

اجتماع کنندگان سپس محدداً بطرف شهر - داری حرکت میکنند که در میدان شهرداری، ده تا پانزده تن اعتراض مرتجع با سنگ به تظاهر کنندگان حمله میکنند، کسه در مقابل موج جمعیت خشمگین سوی شهرپانسی فرار میکنند، در اینجا مردم خشمگین با شیراندازی هوایی و پرتاب گاز اشک آور از طرف پاسداران مواجه میشوند. و پس از آن

گفته‌یک نفر ۲۰ هکتار زمین داشته‌اند و عده بسیاری برایش مزدوری کنند؟ ... اگر دادگاه بهداده ما میسرید ما خود اقدام خواهیم کرد." در ضمن ۵ نفر از طرف کشاورزان بسیاری

## دهقانان بایکلای بابل بر علیه فتودالهای می رزمند

ده بائیکلا یکی از روستاهای پرجمعیت بخش بندپی بابل میباشد. در این روستا نیز همچون دیگر روستاهای ایران در مبارزات دهقانان زحمتکش ایران بر علیه فتودالها و ربا - خواران و زورگویان هر روز اوج ترازهای میگردد. از جمله این فتودالها، شخصی بنسبام حاجی احمد علیجانی میباشد که ۲۰ هکتار از زمینهای دهقانان فقیر منطقه را با کمک زاندارها تماماً کرده و خود را مالک شرعی آن میداند.

پس از قیام شکوهند بهمن ماه، فتودال مزبور بر تقدار انقلاب و اسلام از آب در آمد و بنسبام به گفته اهالی بزور از هر کدام مبلغ ۱۰۰ تومان گرفته و به قلم برده است. در ضمن به گفته خودش " برای خدمت به دین" به عضویت کمیته انقلاب اسلامی درآمد که تحت فشار مردم مجبور به ترک آن گردید.

زورگویی ها و قتلدرستی های حاجی احمد علیجانی و عواملش از جمله کتک زدن افرادده و حتی تجاوز به نواصب آنها که بعد از قیام نیز ادامه می یابد و نفرت اهل ده را به علیجانی و مزدورانش افزون میکند و کاسه صبرشان را لبریزی میازد. بطوریکه اهالی ده به تظاهرات متعددی بر علیه علیجانی دست میزنند (تظاهرات بعد از کتک خوردن شخصی بنام ابوالحسن مومنی توسط مزدوران علیجانی و مورد تجاوز و فرار گرفتن زنی توسط رضا شاه توری یکی از بستگان علیجانی صورت می پذیرد ) مگنهای که حتی یک شب پاسداران برای جلوگیری از تظاهرات بهده آمده و در آن مستقر میشوند ولی با رفتن آنها در روز بعد تظاهرات ادامه می یابد. که البته با پوزش چاقه بدستان اجیرنده حاجی احمد مواجه میشوند که ده نفر از اهالی ده را زخمی میکنند. اما کسی دونهفراز آنها کریم کریم نژاد و مراد حقانی می باشد، که در بیمارستان بستری میشوند روز بعد از این واقعه، یعنی شنبه ۵۸/۷/۱۴ روستائیان به شهر آمده و با حمل پلاکاردی با مضمون " حاجی احمد علیجانی در دادگاه اسلامی اعدام باید گردد" در بابل به تظاهرات راه پیمایی می پردازند که به هنگام عبور از مقابل دبیرستانها با حمایت دانش آموزان نیز رو برو میشوند و سرانجام جلوی " دادگاه انقلاب اسلامی" به تحصن می پردازند. در حین راه - پیمایی شعارهایی از قبیل " حاجی احمد علیجانی اعدام باید گردد"، " عوامل آمریکانابود باید گردند" ... از طرف دهقانان داده میشود. تعداد دهقانان تظاهر کنند - با توجه به مکانی که برای آمدنشان به شهر بیسود حدود ۵۰ نفر تخمین زده میشود که تعداد زیادی از آنان را زنان مبارز تشکیل می دهند.

دهقانان ضمن قطعه‌نامه‌ای خواهان مجازات حاجی احمد علیجانی و مزدور زمینها و کارخانه - اش شدند. یکی از اهالی می گفت: " ما باید زمینهای حاجی احمد را بگیریم - آخرجه کسی

مذاکره با مسئولان " دادگاه انقلاب اسلامی" انتخاب شدند که تا این لحظه (۳ بعد از ظهر شنبه ۵۸/۷/۱۴) از نتیجه مذاکره خبری نیست.

ادامه از شماره قبل:

## موسی صدر، امل، چمران و باند او را بشناسیم (۲)

سرنجام او که جهت‌باز را از سمت "چپ" میدید، در این خط‌براه افتاد و سعی نمود خود را فردی ترقیخواه و با اصطلاح نسد ظلم، ضد رژیم لبنان و حتی ضد رژیم شش‌ماه‌زده (تا بالاخره "تصمت" عامل ایسران بودن را از خود بزاید!) به‌بهمین دلیل طی چندماهه علیه رئیس‌جمهور فرنجیه و بر ضد شاه سخن گفت و حتی از آیت‌الله خمینی‌پاد کرد تا دل او و با طرفداران او را هم بدست آورد و در بین برخی مبارزین مذهبی ایران جایی باز کند که اتفاقاً عسدهای اطلاع‌طلب و نادان را فریفت و خود را این میانه نصیبی برد. او با استفاده از "ظالمین" (بی‌آنکه حتی بیکار نمی‌گند) برای خود چهره دیگری ساخت و با اصطلاح "جنبش محرومین" را براه انداخت و هرگز ترس خود را از نفوذ سازمانهای چپ در بین مردم فقیر ششمه‌ها نکرد بلکه شمرکز خود را روی انگیزه‌های طایفی مذهبی گذاشت و به تبلیغ شمیگری پرداخت. او آنقدر در دفاع از مقاومت فلسطین و نزدیک شدن به آن، در حمله و انتقاد علیه اسرائیل، در جانشداری از حقوق محرومین و در هم‌دستی با جنبش ملی لبنان جلو رفت که تقریباً زبان منتقدین را علیه خود بست. در اواسط سال ۷۵ هم پس از یک دوره درگیریها، آنجا که میبایست همه انظار متوجه یک نبرد قطعی و طولانی میشد و باز با سروصدای زیاد اعتصاب غذا کرد، او از انقلاب و بکار بردن زور و خونت هم‌برای بدست آوردن "حق" (بصورت تهدیدآمیز) سخن میگفت. او نورش عظیم روستاها و عشایر منطقه شفاع را که ماهها رژیم راذله کرده بودند با سبزی و ریش سفیدهای جوانان و وقتی او برای جراحی پیش‌آنان رفت هزاران مردم صلح در تاشید حرفهای تند او در دفاع از "حقوق محرومین" به‌هوا شلیک کردند. او با وعده و وعید مانع از شکل‌توده‌ها و مانع از تحرک آنان گردید و طیبی است‌گسه در شتاب سازمان رهبری گمنده انقلابی و پرولتری و با وجود ضعف سازمانهای چپ و تشتت آنان نطوله‌گشایی مانند موسی صدر امکان موفقیت مرحله‌ای می‌یافت. او در این نظرات و امثال آن در عین حال که علیه رژیم لبنان حرف میزد، در واقع نماینده همین رژیم بود و جالب‌اینکه همواره از پشتیبانی رژیم برخوردار بود. ضمناً او دیگر با چنین نقشی نمیتوانست با جناح راست مخصوصاً با کامیل شمعون و امثال او مثل سابق تماس و رابطه‌علنی داشته باشد بلکه لازم بود با سران مقاومت فلسطین و جنبش ملی لبنان و حتی کمونست‌ها عکس هم‌پاندازه! شکل‌ها و دسته‌بندیهای طائفه‌ای (مذهبی) و سیاسی سندیج از حالت سلامت جوانانه به تدارک درگیریهای بعدی می‌انجامد و هر گروه بقای خود را صرفاً در داشتن قدرت نظامی میدید (مثل حزب کمونیست - رویزیونیست لبنان که در ابتدا حتی بدون میل و کسک

شوری ناگزیر به جنگ کشیده شد) (۱). موسی صدر هم از قافله عقب‌نماند. او که قبلاً و بدلالی که ذکر شد با اصطلاح جنبش محرومین را براه انداخته بود بکمک و زیر نظر چمران یک گروه نظامی بنام "الامل" یعنی "امید" میبنا کرد. میتوان گفت که هدف او از براه‌انداختن یک گروه نظامی در درجه اول جلوگیری از پیوستن جوانان ششمه به سازمانهای مسلح چپ و با مقاومت فلسطین بود. او در این چهار-چوب نیز، با مقاومت شماس برقرار نمود و از

در لبنان بود حمایت از موسی صدر را بعهده گرفت بخصوص که الفتح دیگر عملاً کمکی به او نمی‌کرد و اطمینان‌شاز او طلب شده بود. گروه نظامی "امل" بصورت جزئی از ماعقه درآمد بود.

در ماه ژوئن امسال (۷۶) برابر با سال ۵۵) که دخالت نظامی سوریه علیه مقاومت و جنبش ملی لبنان به حد غیرقابل تحملی رسید، سازمان ماعقه و یک سازمان ناصریست دست‌نشانده سوریه و حزب بعث طرفدار سوریه در لبنان از طرف مقاومت و جنبش ملی تصفیه شدند. گروه نظامی امل نیز که در واقع در صف دشمن قرار گرفته بود مشمول تصفیه گردید.

- آنجا که می‌بایست همه انظار متوجه یک نبرد قطعی و طولانی میشد و باز با سروصدای زیاد اعتصاب غذا کرد.
- او با وعده و وعید مانع از شکل‌توده‌ها و مانع از تحرک آنان گردید.
- میتوان گفت: هدف او از براه‌انداختن یک گروه نظامی در درجه اول جلوگیری از پیوستن جوانان ششمه به سازمانهای مسلح چپ و با مقاومت فلسطین بود.
- در ژوئن سال ۱۹۷۶ گروه نظامی امل نیز همچون سازمان ماعقه و یک سازمان ناصریست دست‌نشانده سوریه و حزب بعث طرفدار سوریه در لبنان از طرف مقاومت و جنبش ملی فلسطین تصفیه شدند.

وضع موسی صدر که ماه‌ها پیش از این جریان و همزمان با دخالت سوریه در لبنان بطور فستی صنف سوریه و علیه جنبش ملی لبنان و مقاومت فلسطین بود، این بار آشکار گشت و علناً بصورت مدافع‌تمام عبار حفظ همین رژیم ظاهرمانه، طایفی لبنان درآمد. وابستگی او و چهره، مزورانه و فریبکارانه اش که بسیاری از جوانان و مردم عادی ششمه را فریفته بود آشکارتر گشت. او پس از اینهمه جنایت رژیم سوریه همچنان با حمایت خود از به اصطلاح استکار صبح سوریه عملاً مردم را از مقاومت در برابر ارتش سوریه منع نمود و به سقوط مناطق ششمه، شفاع در دست سوریه کمک داد. (۲) در ماه اوت پس از سقوط تل زعتر، منطقه نسمه که عموماً شمعیان فقیر در آن بسر

الفتح درخواست کمک کرد. الفتح نیز بسا برخوردار تا کتیکی خود، این گرایش را منتقم می‌شرد و در آموزش نظامی و دادن مقادیری اسلحه و بارها داد، با این حساب که این سلاحها بدست مردم داده می‌شود، نه بدست موسی صدر و اینکه وقتی مردم صلاح دستشان بود از کنترل او خارج هستند. این امر هم بارها اتفاق افتاد که عده‌ای از هم‌بین جوانان ششمه در حمله شفاع بدون آنکه از جانب صدر موافقتی باشد، به ابتکار خود به حمله بر مواضع دست‌راست‌ها پرداخته بودند که بعد مورد انتقاد او قرار می‌گرفتند!

در این میان رابطه موسی صدر با رژیم سوریه قابل توجه است. پس از کودتای حافظ اسد در اواخر سال ۷۴، او که خود از طایفه علویان (فرقه‌ای از ششمه در سوریه) می‌باشد و در طی چندسال زمانداری خود روی هم‌بین طایفه و گماندوهای خامی که همگی از هم‌بین طایفه و تحت فرمان برادرش (رفعت اسد) قرار دارند تکیه کرده، زمینه‌بیشتری برای نزدیکی موسی صدر با سوریه فراهم آمد (توضیح اینکه زعمای لبنان - چه سیاسی و چه مذهبی - هر یک بر اساس جنگگیری‌های خود با این سازمان دولت خارجی شماس جداگانه و منافع جداگانه ای دارند) از طرف دیگر جهتگیریهای راست - روانه حافظ اسد با آنچه موسی صدر می‌خواست هماهنگی داشته اوگاه بصورت واسطه‌ای بین رژیم لبنان و سوریه عمل می‌کرد. اسد نیز به موسی صدر بعنوان پایگاه دیگری در لبنان نیاز داشت. سازمان ماعقه که دست‌نظامی و نطوله‌گر سوریه هم در مقاومت فلسطین وهم

(۱) - حزب کمونیست - رویزیونیست سوریه به رهبری خالد بکداش طی بیانیه‌ای در اوایل سال ۱۹۷۶ از موضع حزب "کمونیست" لبنان دادر به مشارکت در جنگ، انتقاد کرد. کمونیست‌های رویزیونیست بحرینی (جبهه‌التحریر - الوطني البحرانی) نیز در محافل عمومی اظهار می‌داشتند که "اگر مقاومت فلسطین و جنبش ملی در لبنان بپرواز شود مصیبتی است! زیرا دیگر همه به ما روزه، ملحانه ایمان پیدا خواهند کرد." کتبه‌های حزب توده را در همه جا میتوان دید!

● (۲) - به دروغهای صادق طایفائی در - باره "امل" و شلیفات او و صنف چمران بعداً خواهیم پرداخت.

بقیه از صفحه ۱۵ حزب توده ...

این دوخط مشی متضاد  
از کجا سرچشمه میگیرد؟

این دو خط مشی متضاد از کجا سرچشمه میگیرد؟ همانطوریکه ملاحظه کردید، نظرها در این با آن مقطع حرکت جامعه و در این با آن مورد شخص، اتخاذ تاکتیک مناسب در هر مقطع معین جهت پیشبرد وظیفه عملی مشخص آتی، تعیین این امر که در هر لحظه شخص با چه کسی و بر علیه چه کسی متحد شد ... نمی باشد، بلکه فراتر از آن، این اختلافات خود محصول ناگزیر اختلاف نظر از ریشه متفاوت و متضاد بین این دو مشی بر خورد به طبقات غیر پرولتری میباشد که خود در تحلیل نهایی منعکس کننده اختلاف منافع طبقاتی موجود بین آنهاست. توضیح بیشتر در این مورد ضروری است. مسئله به برخورد م.ل.ها به طبقات غیر پرولتری و احزاب نماینده آنها، یعنی یکی از احکام اصلی و شوربیک مربوط میشود و چنانکه لنین توضیح میدهد "از آن مسائلی است که مستقیماً به هیچ وظیفه عملی مشخصی که در لحظه معینی در مقابل حزب قرار میگردد، مربوط نمیشود". رویزبویستهای در سراسر جهان و در تمام طول تاریخ تحت پوشش مارکسیسم یک خط مشی و سیاست تمام عیار بورژوازی را دنبال کرده و حتی شدیدتر و بشمارهاتر از خود بورژوازی در جنبش کمونیستی از منافع بورژوازی بر علیه منافع توده ها دفاع کرده اند - نقل به معنی از لنین - تمام سنی آنها بر این بوده که تحت عناوین مختلف از جمله "استفاده از نیروی طبقات غیر پرولتری جهت پیشبرد اهداف خود" اتخاذ تاکتیک مناسب جهت جلب اعتماد و همکاری وسیعترین اقشار توده های مردم، "در نظر گرفتن سطح تکامل نیرو - های مولده و مرحله به مرحله پیش رفتن"، انجام کاری که امکان پذیر است "و ... منافع طبقه کارگر و خلقها را با منافع طبقات استثنایگر تلفیق و هماهنگ کنند. آنچه مسلم است با "اطمینان قاطعی" که رویزبویستهای وطنی ما در خدمت به تحکیم مواجع بورژوازی و همدستان وی و فریب توده ها دارند، دولت سرما به داران، پس از آنکه "قانونی بودن حزب توده" را اعلام کرده و "دادستان انقلاب اسلامی" نیز با کمال خوشوقتی در گشایش ارگان مرکزی آنها حضور یافت، اینبار سعادت "شرکت در امر خیر و کمک و باری به جمهوری اسلامی" در کردستان را نیز نصیب آنها خواهد کرد. حاصل کار بدون شک این خواهد بود که رویزبویستهای مرتد حزب توده هرچه عریا نتر بوده در بدهتر در کنار بورژوازی و ارتجاع ظاهر گردند، تا همانند تمام هسبالکسیها - بشان در سراسر جهان به بورژوازی و امپری - بالیسم مخلصانه خدمت نموده و به منافع طبقه کارگر و خلقها خیانت ورزند، آری، این منطق مبارزه طبقاتی است. ■

رخ می داد. "گفته شد در آستانه شورای (وکیل مسیحی مجلس)، محمد بقوب (شیخ مزدوری که با صدکار می کند) و جوزف اسکاف (وکیل مسیحی دیگر) تأیید کردند، تنها یک نفر از یحقوقی جانبداری کرد. صدر و یحقوقی (که سماون مجلس سنی است) با هم تضاد و رقابت دارند و چه بسا رقابتی شخصی.

۲ - اطلاعات رسیده حاکی است که شورای عالی شیمیان، شش ماه پیش مبلغ یکمیلیون و هشتصد هزار لیره بعنوان مخارج کاشیکه بیخانمان شده اند، خرج کرده است. این مبلغ را خود صدر از صندوق شورا دریافت کرده است اما تاکنون به هیچ خانواده ای یک شاهی هم نرسیده است. هم اکنون در روستای کفسردان ۳۱۴ نفر از وارگان نیمه وجود دارند. از طرف دیگر ۱۴ میلیون لیره که از برکت دوستی نزدیک بین صدر و شاه ایران ویژه شیمیان جمع آوری شده (۳)، بدرخواست صدر مرهمان ایران و بنام موسی صدر نگهداشته شده است و آنرا به لبنان نفرستاده اند.

هم اکنون موسی صدر بعنوان یکی از نطیهای ارتجاع طائشهای (مذهبی) لبنان و همیا و حتی بینابین دیگر قطبهای ارتجاع لبنان و منطقه، در حرکت است. مسافرتهای اخیر او به سوریه و به ممر نمونه ای از این تلاشها است.



مقاله، مزبور در اینجا خاتمه یافته است اما همانطور که می دانیم موسی صدر در اواخر اوت ۷۸ (شهریور ۵۷) پس از مسافرت به لیبی تاکنون مفقود شده است. در ادامه، این مقاله به مسائل دیگری در رابطه با فعالیت های اخیر باند جبران و طائشایی و ... در ایران خواهیم پرداخت.

- (۱) - کمال جنسلاط، رهبر ملی لبنان که در نتیجه، توطئه، سوریه و عمال لیبی آنی آن ترور شد، نیز در خاطرات خود به همکاری، شخص دار و دسته، "اعل" یا مورپها، علیه لبنان و انقلاب فلسطین اشاره میکند.
- (۲) - این شیخ خاش و نیز شیخ دیگری بنام "خرندار"، اعدام انقلابی شدند. حیف که در فلسطین دادگاه ویژه، مصممین نیست که فقط به طبع لیبی محکوم شوند!
- (۳) - این همان پولی است که با تأیید رژیم و بنام علمای ایران ارسال شده و در ابتدای مقاله به آن اشاره شد.

می برسد و یکی از جنبه های داغ سرد بوده است در محاصره، نیروهای فالانژیست کتاشیب و سوری قرار گرفت. موسی صدر پس از مذاکرات با سوریه و فالانژیست ها خیانت دیگری مرتکب شد و از افراد نظامی تحت فرمان خود خواست که علیه سوریه و کتاشیب جنگند و ملاحجه را بر زمین بگذارند و بدین تریب رخنه ها شی در خطوط دفاعی منطقه بوجود آمد که بر اثر شدت حملات و محاصره به سقوط نیمه انحصار میسد.

کتاشیبها به کشتار و وحشیانه، مردم پرداختند حتی کسانی که سلام خود را تسلیم کرده بودند نیز به خون کشیدند. هزاران تن کشتند و مجروح و آواره شدند و جنگ سقوط نیمه بسیر "چهره" موسی صدر و جبران باقی ماند (۱)

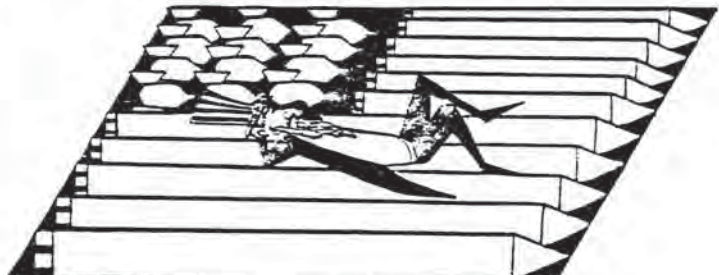
امروز مردم لبنان و فلسطینی ها موسی صدر را "جمبری" لبنان می خوانند (جمبری شیخی است در اسرائیل که شهردار شهر خلیل - صرون - است و همواره با دشمن همکار نزدیک داشته و اخیراً - سال ۵۵ - از طرف مقاومت محکوم به اعدام شده است) (۲) او که دست از کوششهای خرابکارانه خود برنداشته، جمعی را بنام جمعیت شیمیان انقلابی علم کرده که خواستار اخراج فلسطینی ها از لبنان است. او رسماً در محاصره بارونز ماهه الانوار گفته است:

ما نخواهیم گذاشت مقاومت فلسطین و سینه های برای سرنگونی رژیمهای عربی گردد (این معین استدلال رژیمهای سوریه، اردن و فالانژیستهاست.)

شهریه (خبری - تحلیلی) "الشوره مستمره" (انقلاب ادامه دارد) که آثر جنبه خلق برای آزادی فلسطین بصورت پلی کیسی منتشر میکند در مورخه ۲۶/۸/۲۵ زیر عنوان "اقدامات موسی صدر مزدور" می نویسد:

۱- جلسه ای در هتل وایت محل اقامت موسی صدر تشکیل شد که وکلای مجلس از منطقه زحل و بقاع غربی و شمالی و عده ای از وزرای سابق و روحانیون طوایف مختلف شرکت داشتند. هدف از این جلسه، تشکیل کمیته محلی گسترده ای است که وظیفه آن بکار انداختن مجدد ادارات دولتی در بقاع می باشد. در ضمن بحث، شیخ یحقوقی (مفتی بعلبک) این سوال را مطرح کرد که چرا از طرف جنبش فلسطینی نماینده ای در این جلسه حضور ندارد.

عده ای مدعیند که احزاب ملی ماهیت خود را نشان دادند که خرابکارند و برای تقسیم لبنان می کوشند و افزود که "اگر احزاب را در جلسه شرکت می دادیم انفجاراتی که در شهر رخ می دهد زیر مسئولیتها و داخل جلسات ما نیز





## نگاهی به قانون اساسی محصول مجلس خبرگان (۳)

طبقاتی درون جامعه را بطرز دقیق روشن سازد.

رویزونیستها که زیر پرچم خرده بورژوازی مرفه سنتی در واقع برای بورژوازی سینه میزنند، از توضیح حطت طبقاتی آزادی های مشروع و ارتباط ارگانیک آن با حطت طبقاتی رژیم که بعد از قیام مسلحانه بهمن ماه روی کار آمده و همچنین سیاستهای عملی و واقعی که رژیم در طول این مدت در عرصه زندگی سیاسی دنبال نموده، سرپا میزنند.

بعضی طبقاتی باشند که نمایندگی آنان را به عهده دارند. سهمین جهت است که آقای حکارم شیرازی که برای لحظه ای هوشیاری سیاستمداران و بهره پویشی رباکارانه خود را از دست میدهد، با زبانی گویا، می آنگه خود بدان آگاه باشد، بین طرز فکر خود از یکسو و طرز فکر مردم کوچه و بازار از سوی دیگر خط کثی میکند.

### - اصل نهم -

اصل نهم: در جمهوری اسلامی ایران آزادی و استقلال و وحدت و تمامیت ارضی کشور از یکدیگر تفکیک ناپذیرند و حفظ آنها وظیفه دولت و تمامیت ارضی است. هیچ فرد یا گروه و هیچ مقامی حق ندارد به نام استفاده از آزادی به استقلال سیاسی، فرهنگی و اقتصادی و تمامیت ارضی ایران کمترین غشه ای وارد کند و هیچ مقامی بنام حفظ استقلال و نظامی و تمامیت ارضی کنونی نتواند آزادی سیاسی مشروع را، هر چند با وضع قوانین و مقررات سلب کند.

این اصل با ۵۶ رأی موافق و ۲ رأی مخالف به تصویب رسید. ۲ رأی هم افغانه بود که اعلام شدگامی اوقات ممکن است کارتها هم چسبیده باشد.

این اصل چنانچه از مضمون و فحوای کلام برمی آید به تبیین و تثبیت دوا مرتب بسیار مهم و حیاتی یعنی آزادی و استقلال پرداخته است. اما آن چیزی که حیاتی تر است و باید روشن شود نحوه این تبیین و تثبیت می باشد. یعنی اینکه اصل مزبور چه نوع آزادی و استقلالی را هدف قرار داده و این آزادی و استقلال در عمل به منافع کدام طبقه خدمت میکند.

کل آنچه چیزی که در باره آزادی، نسوع و حدود آن در اصل ارائه شده، عبارت از دو کلمه است: "آزادبهای مشروع" اما این فقط یک وعده و یک سخن پردازی صرف و بهره پویشی رباکارانه افکار می باشد. جمله ای شوخالی تر، گنگ تر از این نمی تواند وجود داشته باشد. آنقدر گنگ و قابل انعطاف که با دگی میتوانند توسط دولت نه ترسین دشمنان توده ها مورد بهره برداری قرار گیرد. اما اگر "خبرگان" رژیم حاکم بنا به "سالی" که دارند، مسلح به زبانی شده اند که از آن طریق افکارشان را نشان می دهند. ما میزنند، ما موظفیم آنچه را که در پس این سخنان بودا رفته است، بهر ملازمیم: آیت - اللهدیکارم شیرازی یکی از اعضاء کمیسیون پیشنهاد دکننده اصل مزبور اظهار میکند: "از قرار معلوم کسانی که مخالفت میکنند، چنین انضاط میشود که آزادی را مثل مردم کوچه و بازار تفسیر میکنند". (تاکید ازماس).

جمله ای کوتاه، اما بسیار پر معنی، طوریکه بقدر کافی مفهوم طبقاتی آزادی های مشروع را برای ما روشن میسازد. "خبرگان" مجلس بررسی نهایی ... زبان گویا و گل سر - سید کسانی هستند که امروز حکومت میکنند، لذا آنها باید "آزادی" را در قانون اساسی طوری بکنند که بطور تمام و کمال قابل بهره - برداری، توجیه و تفسیر دشمنان کنونی

- "آزادبهای مشروع" (در اصل نهم) یعنی آزادی برای سرمایه داران و زمینداران که کارشان شرعی است و اختناق و فشار بر زحمتکشان و نیروهای راستین انقلاب که کارشان غیر شرعی است.
- عقب ماندگی فاحش "خبرگان" بقدریست که حتی داد مشاطه گران سینه چاک خود یعنی رویزونیستهای مرتد "حزب توده" و "سه جانی" را نیز در آورده است!
- دوا نوع توضیح برای پیش نویس بد قانون اساسی و قوانین بدتر تصویب شده فعلی.

آنها نیز همانند "روشنفکران" رژیم با جمله - پردازی های شوخالی و بهره پویشی رباکارانه توده ها را فریب میدهند. مردم می نویسد: "در این ماده دو غولت اصلی مردم انقلابی مادر باره آزادی و استقلال ... با زتاب یافته و سوزیه بهم پیوستگی درونی وجدایی ناپذیر آنها اعلام شده و راه بر هر گروه تشنی مطاخر محدود کردن آزادی با استقلال بسته است ... مجلس خبرگان ... "واژه های آزادی مقیده، بیان و قلم و آزادی های مشروع دیگر" را حذف کرد و بجای آن عبارت "آزادبهای مشروع" را قرار داد ... اگر این تحریف در متن ماده پیشنهادی انجام نشده بود میشد گفت که اصل نهم محوبه، یکی از معتبرترین و عطفی ترین اصول وادایچه انقلاب ما است. اصل مطلب در این ماده رابطه بین آزادی و استقلال و در نتیجه رابطه بین تمرد و اهداف تمرد امیر - بالیستی و سرود اهداف دموکراتیک مردم ایران است. ماده نهم این مطلب اساسی را در بر میگردد. (مردمنما ره ۵۷ - ۱۲ سپرماه) تاکید ازماس.

اما نمایندگان فکری طبقات حاکم قدری در حین صیقل دهی، جریان زندگی بقدر کافی بهره پویشی های آنان را عقیم و بی اثر گذاشته است. آنان دست به یک پنهان کاری می زنند که فعلا تمام اصول آن "لورفته است و قبل از اینکه آزادی های مشروع" در قانون اساسی ثبت شود، خود قدرتمندان در زندگی سیاسی شان با کار بهره ای که از این عبارت نشان داده اند، محتوای طبقاتی، محدود و شوخ تر از کلام روشن ساخته اند.

ارتجاع حاکم در طول چند ماه حکومت خود به عربان نشان داد که ما تمام وجود خویش را از آزادی های که در خدمت پیدا ساختن خلقها به منافع واقعی شان و قطع ملطه و نفسوژد امیر بالیسم و سرمایه داران نوکر صفت بوسی میسازد، منتظر بوده و چنین آزادی های را به هیچوجه "مشروع" نمی داند، و در عمل آزادی را در کلیه زمینه ها "عقیده، بیان، اجتماعات و ... لگد مال کرده است.

### رویزونیستها

#### و دست بیخت "خبرگان"

عقب ماندگی فاحش "خبرگان" مجلس و حطت بقایب ارتجاعی و عربانی بورژوازی حاکم بقدریست که حتی داد دشمنان گران سینه - چاک خود یعنی رویزونیستهای مرتد "حزب توده" و "سه جانی" را نیز بیلند کرده است. اعتراضی و شکایت رویزونیستها از موعبات مجلس بیسه اصطلاح خبرگان دما سنج دقیق است که می - تواند میزان مرز بندی، شدت وحدت مسارزه

چه فرومایگی قابل تحقیری، ببینید چگونه "روح نوکر منشی" و آرایش سیاستهای بورژوازی رویزونیستهای وطنی ما را به چنان حدی از مشاطه گیری رسانده است که آنها ابتدایی ترین موازین ما را کمیسیون - بنیسم را نیز عمداً بدست قرا موشی می سپارند. آنها جمله پردازی های رنگارنگ رژیم بورژوازی را

فقط آن قانونی مقدس است که حافظ منافع زحمتکشان باشد

نگاهی به قانون اساسی

دربگیرنده سردا و هدا فدموکراتیک و خدا مبر- بالیت مردم ایران "جا" میزنند و فراموش میکنند که" کوبی تاریخ برای ماسدها نمونه مراسم نگرده است که دموکراتهای بورژوا با شعارهای آزادی کامل و حتی برابری و همبندی شعارهای سوسیالیستی جلو آمده اند، بدون اینکه به این مسامت، عملت بورژوا دموکرا- تیگشان را از دست بدهند و از این راه فقط ذهن پرولتاریا را هرچه بیشتر مفتوش ساخته اند ... هرکودی می فهمد که مدها قرار آورده در از ان "رستا" حاضرند هر چیز را شناها اظهار دارند و حتی سوگندترو به سوسیالیستی بودن خود یاد کنند ... ولی تمام این برنامه ها چیزی جز کاغذ پاره نیستند. برای یک دموکرات بورژوا مشکل نیست امروز یک چیز تو سید و فردا چیز دیگری (لنین - طبقه کارگر و دموکراسی بورژوازی)

رویز یونینستهای مرتد "حزب سوده" و "نه جهانی" که امروز با ن مشترکی پیدا نموده اند هر دو جو سونا ظاهر میدارند: آنچه امروز در مجلس خبرگان تصویب میشود با آنچه که در متن پیشنهادی بود فرق میکند، باید گفت اینس واقعیت انکارنا پذیر است که صوابات کتونی مجلس خبرگان نیست به متن پیشنهادی عقب- گردی آشکار در جهت ناپیده گرفتن منافس و خواستهای خلقهای ایران است. اما سار - کسیت - لنینیستها از این واقعیت مستمکی جهت ملاحظه گیری و تقدیس بورژوازی درست نمی- کنند بلکه آنها صریحاً اعلام میدارند که متن پیشنهادی قانون اساسی و صوابات کتونی آن هر دو ورشته یک کره باشند. هر دو توسط طبقاتی شده و پس شده که نمی توانند قدمی عملی و اساسی در جهت قطع سلطه و نفوذ امپریالیسم و سر- قراری حاکمیت خلقهای ایران بردارند. یعنی هر دو متن منافع واحدی را منعکس می سازند - اولی بد و دومی بدتر.

اما رویز یونینستهای می نویسند " نکات عشق و شالوده های درست پیش نویس قانون اساسی خرد اند ما که میتوانست با به معکوسی برای بهبود آن و تنظیم یک قانون اساسی مناسب و ناپسند جمهوری اسلامی و در خور انقلاب بزرگ مردم ایران باشد ... بتدریج و گام به گام یک کاری ساده شده و میشود. تنها بسندت و به استثنای برخی نکات مثبت باقی میماند با آشکارا تحریف نمی شود." گویا یک چرخش ناگهانی و یک تغییر ماهوی رخ داده و بورژوازی جدید ما پیش تغییر ماهیت داده و از یک دمو - کرات و در خور انقلاب به یک لیبرال مرتجع شده تبدیل شده است. و همه اینها بخاطر نفوذ "گروه فشار" و "گروه سابه" ای است که "زیر نام" و "به بیان اسلامی کردن قانون اساسی" در درون مجلس خبرگان رخنه کرده اند. ( داخل گپومه - ها تحلیل های کاذبی حزب توده ها شن از بدتر شدن قانون اساسی است ) و تازه اگر قبسول کسیم که کار، کار "گروه سابه" و "گروه فشار" است لایندیا بدگمت که اینان کسانی جز منتظری و بهشتی وارد بیللی ... یعنی نمایندگان

این نوشته از طرف کمیته " همکاری انقلابیون گیلان - طرفدار آزادی طبقه کارگر" بدست ما رسیده است و به درخواست اینس رفقا درج می شود .

« اصلاح و پوزش »

با پوزش از خوانندگان مجزه " بررسی حزب توده و سازمان انقلابی " منتشره از کمیته همکاری انقلابیون گیلان بدینوسله به اطلاع میرساند که : بعلت کمی تجربه اولیه رفقای مسئول نشر جزوه مذکور، در جزوه ناسبرده اشتباهاتی صورت گرفته است که می تواند درک غلطی به خوانندگان بدهد . لذا رفقای کمیته همکاری بعد از چاپ اینس جزوه متوجه اشتباهات ذیل گشته و سعی نموده اند بدینوسله آنها را ترمیم نمایند.

- ۱ - در صفحه فهرست بجای گروه با یک اشتباهاً / یک / چاپ گردیده است .
- ۲ - در صفحه ۱۶ متن طوری نوشته شده است که کوشی سارزه علیه امپریالیسم احتیاج به شرایط دمکراتیک دارد و با سارزه طقاشی احتیاج به آزادی دارد که به نظر ما این متن غیر مارکسیستی جلوه می نماید و حتی نقل قولی که از لنین آورده شده نیز در تاشید متن مورد نظر نیست . زیرا لنین در باره انقلاب سوسیالیستی آن مطلب را گفته و منظور او این بود که پرولتاریا باید فعالیتاتش را از همه طبقات برای انقلاب دمکراتیک سارزه نماید تا با آزادیهای بدست آمده متواند شرایط را برای یک انقلاب سوسیالیستی فراهم نماید، در صورتیکه در نوشته متن مورد نظر ( در صفحه ۱۶ ) از آزادیهای دمکراتیک سخنون شرط لازمسه سارزات مند امپریالیستی و انقلاب دمکرا - تیگ نام برده میشود که انقلاب سوسیالیستی که این خود پرولتاریا را در سارزه برای کسب آزادیهای دمکراتیک در شرایط فقدان آن بر علیه امپریالیسم و ارتجاع داخلی خلق- ملاح مینماید. پس بدینگونه روشن میگردد که طبقه کارگر ایران باید برای بدست آوردن آزادیهای دمکراتیک رهبری سارزات ضد - امپریالیستی را در انقلاب دمکراتیک بدست گیرد و بعد آن را بسوی انقلاب سوسیالیستی هدایت نماید. لذا در مورد تاشید مطلب فوق و اصلاح صحنه مورد نظر باید اذعان نمود که حرکت ارتجاعی دولت موقت در ملسس آزادیهای مطبوعات و قلم و از طرفی تاشید حزب توده از سیاست دولت و دادستان انقلاب

مستقیم آیت الله خمینی " خدا امپریالیست و قاطع و بیگمیر و ترلزول نا پذیر" ( بقول حزب توده ) نمی باشد. باید گفت این انتقاد سیمت که رویز یو- نیستها و وطنی ما از عملکردهای رژیم میکنند بلکه این سیاستهای آشکارا ارتجاعی رژیم و اوج گیری روز افزون نارحمی توده ها و فرورپختن سد توهانات آنهاست که سبب شده حتی رویز یونینستها نیز از حمایت بی دریغ شان از رژیم حاکم شرم داشته باشند.

اسلامی در قبال این هجوم فاشیستی بهیوجه برای کمونیستها عملی از پیش ناخواننده نبود بلکه آنها بخوبی میدانستند کسده آزادیهای را که توده های مردم در سارزات اخیرشان کسب نموده اند با وجود امپریالیسم ناپود خواهد شد زیرا سرمایه داری وابسته و دیکتاتوری لازم و ملزوم یکدیگرند بدست آوردن آزادی همانا سرنگون کردن سرمایه - داری وابسته است .

- ۳ - در صفحه ۱۸ بجای حزب رویز یونینستی معر، عراق ، سوریه ، شوروی اشتباهاً احزاب کمونیست نوشته شده است ، یعنی حزب کمونیست داخل گپومه (") قرار نگرفته است .
- ۴ - صفحه ۱۹ - در سطر ۱۵ باز هم اشتباه صفحه ۱۶ تکرار گردیده ، ولی در واقع پیش شرط بدست آوردن آزادیهای دمکرا - تیگ سرنگونی سرمایه داری وابسته و بیرون کردن امپریالیسم میباشد .
- ۵ - در صفحه ۲۰ - در سطر ۱۷ بجای سوسال امپریالیسم ، سوسیالیسم امپریالیسم اشتباهاً درج گردیده است .
- ۶ - در صفحه ۳۴ - سطر ۱۸ نقل قول حزب توده بجای سازمان انقلابی آورده شده است و نقل قول سازمان انقلابی بدین شرح است " ... همانطوریکه امام خمینی تأکید کرد امروز در برابر ایجاد و دامن زدن به هرج و مرج ، تحکیم دستاوردهای انقلابی قرارداد ، بدین منظور باید جرحهای اقتصاد کشور را برای انداخت . وضع ناخوار زندگی مردم بویژه زحمتکشان را که در ماههای اخیر بیش از هر طبقه و قشر دیگری تحسیت فشار بوده اند ، بهبود بخنید . نظم انقلابی را بوجود آورده که این مسئله در مجموع وظیفه مرکزی انقلاب را در مرحله کتونی تشکیل میدهد. هر نیروی سیاسی که از این وظیفه سر مار زدو یا به هر شکلی ما آن مخالفت بریزد، آگاهانه یا ناآگاهانه به مردم و انقلاب پشت کرده و نه امپریالیستها بویژه آمریکا و روسیه خدمت میکند ."

- ۷ - سازمان انقلابی - ۵۷/۱۱/۲۷
- ۸ - در صفحه ۳۴ - حزب کمونیست م - ل ( در آمریکا ) باید در داخل گپومه تراسر گیرد و همچنین بجای " هوامنیته روز" در سطر ۱۰ " امشی تریز" نوشته شده است .

کمیته همکاری انقلابیون  
کمیته همکاری انقلابیون گیلان  
طرفدار آزادی طبقه کارگر  
شیرماه ۵۸

این نوع ( با اصلاح ) اشتقاد که در شرایطی صورت می گیرد که حتی جناحهای دوراندیش تر وابسته به رژیم ، جهت نجات سیستم حکومتی و جلوگیری از رها می کامل نموده ها از بسندت توهانات ، خود به تکا بوفتاده و زبان به اشتقاد گشوده اند ، معنای دیگری جز خیانت ندارد . آری ، رویز یونینستها به چنان زبانی سخن می گویند و بی پریشی را تا بدانجا می - رسانند که گفتارشان حتی برای یک عضو صدیق هیئت حاکمه نیز قابل قبول می باشد . ■

رفقای هوادار در ستر اعلامیه‌ای منتشر کرده‌اند که در زیر بخشهایی از آن را ملاحظه میکنید:

## معلمین و دانش آموزان مبارز!

... مبارزات وسیع بوده‌های مردم منجر به سرنگونی رژیم فاشیستی پهلوی شد و لسی بحای وابستگان قلمی همان سلطنت طلبان دیروزی و خرده بورژوازی سنی فرارگرفتند. بدلیل نبودن رهبری این مبارزات در دست طبقه کارگر قیام نموده‌ها عقیم ماند و وابستگی به امپریالیستها گماکان باقی ماند. خلق کرد ملت ستم‌دوگانه ملی و طبقاتی همچنان در بی خواستهای خویش می‌زیست و کردستان به کانون آدامه مبارزه خدامیر- بالیستی تبدیل شده است - از آنجا که خودمختاری و حق تعیین سرنوشت خلقها به دست خویش فقط در جمهوری دمکراتیک خلقس عیسر است از آنجا که این رژیم‌ها می‌سوما به‌داران و زمین داران وابسته میباشد، از آنجا که دوام هر رژیم وابسته دیکتاتوری است - پاسخ به خلق کرد و سایر خلقهای ایران در چارچوبه این رژیم غیرممکن است - رژیم وابسته امپریالیسم انارلیست ارباب و نیرنگ پیش گرفته دست به سرکوبی میزند...

در این اعلامیه همچنین آمده است :  
دانش آموزان مبارز!

مبارزات یکساله اخیر بخوبی نشان داد که همراه ما سایر همکیشان و اقشار خلق، دانش آموزان نقش خاصی در پیشبرد مبارزه داشتند و اکنون نیز مبارزه بر علیه امپریالیسم و ارتجاع داخلی همچنان بقوت خویش باقی است. باید ما بهره گیری از حساب بگسال اخیر و الهام از راه سرح تهادی خلق - مان بویژه رفقا؛ یعنی خانوشی، انورماجدی (خوانده سندی) و کمال خفری که جان خود را در راه آرمان زحمتکشان فدا نموده و تا آخرین نفس در سنگر مبارزه خدامیربالیستی جانانه جنگیدند و عداقت و ایمنان شده‌ها را نشان دادند. باشد که ما هم نقش بیشتر و آگاهانه خویش را بخوبی ایفا نموده و دیسین خویش را نسبت به زحمتکشان ادا نمائیم. بنظر ما یکا بر بردن رهنمودهای زیر که بختی از تانکتهای ما در این مبارزه میباشد در تحقق خواستهای برحمان ما را بهاری میباشد.

- ۱ - تشکیل شورای معلمین، شورای معلمین دبیرستان و شورای معلمین شهر و وظایف شورا :
- الف - اعلام محمن، راهبیمائی، اعتصاب
- ب - برگزاری مراسم یادبود شهدا و گرامی- داشت روزهای تاریخی و ملی.
- ج - انشای مسئولین رستاخیزی مرتجع و اخراج آنها.

## نامه آقای بهادران و رسوایی هیئت حاکمه!

بهرتعالی

مجلس سراسری آریه و انقلابی در طول تاریخ  
سراسر اسلام عهد ستمگرانه ای قلمی سنی با راهبردهای  
مصرف کننده بگروتنی رفته اند و ما هم که در این راه  
مانند دیگران هستیم که راه خود را می‌پیماییم حرکت خود را  
فرارده بر رویان کرده‌ایم. از در این مسئله آریه و بیخ و پایه را برآورده  
فرمان آسوع اگام در پیروان خود میگیریم. فرارده را بر آورده

۱۳۳۷  
جبار سلسط آریه و انقلابی در طول تاریخ  
سراسر اسلام عهد ستمگرانه ای قلمی سنی با راهبردهای  
مصرف کننده بگروتنی رفته اند و ما هم که در این راه  
مانند دیگران هستیم که راه خود را می‌پیماییم حرکت خود را  
فرارده بر رویان کرده‌ایم. از در این مسئله آریه و بیخ و پایه را برآورده  
فرمان آسوع اگام در پیروان خود میگیریم. فرارده را بر آورده

بسمه تعالی  
دانشجوی انقلاب جمهوری اسلامی  
اورجیه  
رضای محتم ادارات هیئت‌انفد و توابیح  
چین غشیده شده عده‌های خدانقلای در هیئت‌انفد توابیح آس دست به  
آسنگری و آمکنی و طاقنکی و آسنگری زدمانه چون آقای سیدی بهادران  
ساینده بوه اطم حسینی و سپاه پاسداران انقلاب اسنی لغزلی از تیغون -  
لان است نیات اطم حسینی که طوفان آری از حقوق ستمسین است در این راه  
اعلم و شفه نماید امید است در همه مورد با ایشان همکاری نمودن عوکر  
را که آقای بهادران اصرار نمودند تحویل سپاه پاسداران دهید که مورد -  
نظر اطم حسینی و خداوند شمال است

۱ - ارتباط شورای معلمین شهر با شورای معلمین بخش.  
۲ - تهیه نشریه خبری - محاسی، ارگان شورا  
و تشکیل انجمنهای علمی و آموزشی.  
۳ - تشکیل شرکت تعاونی و کتابخانه.  
۴ - ندرسی و اشاعه فرهنگ و زبان کردی

- ۱ - تشکیل هسته‌های مخفی مطالعاتی و بحث و وظایف هسته ها :
- الف - تکثیر و بخش اعلامیه‌های نیرو - های مبارز.
- ب - انشاگراییها هم جانشه‌های شده‌ها

ج - تقویت و جنبه جاشها و خاشین  
د - راه انداختن نظا هرات، محسن و اعتصاب.  
مستحکم یاددهیوند معلمین و دانش آموزان بسا زحمتکشان  
بهر روز با دسارزات حق طلبانه خلق کرد و سایر خلقهای ایران

گرامی ما دبیا دتهبدان بخون خفته خلق  
تا بود ما دا میربالیسم و ارتجاع داخلی  
هواداران  
ما زمان بیکا در در راه آزادی طبقه کارگر  
مستز

« خلق کرد خودمختاری می خواهد نه جنگ »

### گوشه‌ای از مبارزات مردم زحمتکش محله دولت آباد

### دولت بجای مسکن گلوله می‌دهد!

روزشنبه ۵۸/۷/۱۲، وقتیکه حدود ۵۰۰ نفر از مردم زحمتکش، سرگرم ساختن سرپناهی در زمینهای خاک سفید ( سابقاً متعلق به غلامرضا پهلوی) واقع در جاده به تهران پارسی بودند، با ساداران مداخله می‌کنند، و می‌گویند شما شلیک هوایی مردم را از ساختن سرپناه باز دارند. مردم پشت آجرها سنگ می‌گیرند و اما ده دفاع می‌شوند. با ساداران که با عقابست مردم رو بر روی می‌شوند، می‌گویند: شما بندگان را بفرستید کمیته، نزدیک ۳۰۰ نفر به کمیته می‌روند. آخوندی برای آنها صحبت می‌کنند و می‌گویند: جمهوری اسلامی برای مردم مستضعف است، انقلاب برای مستضعف است، ما می‌خواهیم به همه خانه بدهیم. اما مردم که از این حرفها زبا دشنیده بودند، بی‌توجه به حرف او بر می‌گردند سرکار خود. آنها با دشان نرفته، که چندی قبل آیت الله خروشا بی‌این منطقه رفته و پس از کلی وعده، از آنها خواسته، ساختمان نکنند تا وی برایشان اقدام کند، یکماهی منتظر می‌شوند، دست روی دست می‌گذارند، اما خبری نمی‌شود. اینست که دوباره شروع می‌کنند.

روزدوشنبه ۵۸/۷/۱۶، مردم سرگرم ساختمان بودند که با زورکله با ساداران پیدا می‌شود. آنها ابتدا شلیک هوایی نموده اما وقتی می‌بینند مردم توجیحی نمی‌کنند و قدم عقابست دارند، بیروشان شلیک می‌کنند، دو نفر کشته و چندین نفر زخمی، هدیه دیگری بود از دولت وقت صد انقلابی به زحمتکشان که در پیروزی قیام، بیشترین سهم را داشتند و از دست آن کمترین بهره را.

و می‌گوید: "جمهوری شما آمریکائی است" یکی از کمیته‌چی‌ها اعتراض می‌کند که: "چرا به اسلام توهین می‌کنی؟" جواب می‌شود: "شکم گرسنه اسلام نمی‌شناسد، من یکسال است بی‌کام، حالا شما سلماً شما بجای اینکه برایم کار پیدا کنید آمده‌اید خانه‌ای را که با جنگ گرفته‌ام پس بگیرد، این اسلام شماست! چو چنان حالت انفجاری می‌گیرد که کمیته‌چی‌ها جرأت نمی‌کنند حتی شلیک هوایی کنند. در این موقع یکی از زنان کودک خود را در دست بلند می‌کند و می‌گوید "هریود کنار تا بزم توی سر زوروی و هر دوتا شون را راحت کنم!" مردم جلو را می‌گیرند و آرامش می‌کنند. زوروی می‌گوید: "شما اعتقاد به پاک سازی ندارید؟ ما می‌خواهیم پاک سازی کنیم!" مردم یک صدا می‌گویند: "چه چیز را می‌خواهی پاک سازی کنی؟" در این هنگام یکی از شیر زنان دولت آباد با مشت بجان زوروی می‌افتد که با ساداران گلنگدن را می‌کشند و لوله، سلاحان را بی‌طرف مردم می‌گیرند، شهر زن دیگری بی‌طرف یکی از ساداران می‌رود و لوله، سلاح را می‌گیرد. او می‌گوید: "دستت را بکش" ولی زن مقاومت می‌کند. مردم هجوم می‌آورند. با ساداران که قبلاً از اجابت و خشم مردم دولت آباد شنیده بودند، از ترس خلع سلاح شدن و درگیری با ما شین فرار می‌کنند و در حال فرار با سنگهای مردم بدرقه می‌شوند!

دولت صد انقلابی نه تنها در ماه هشتم پس از قیام نتوانسته گره‌ای از مشکلات زحمتکشان و از جمله، گره مسکن آنها را بگشاید بلکه هر جا هم که خود مردم اعمال قدرت کرده و قسمتی از حقتان را از ظفوم سرما به دار بیسرون کشیده‌اند، با ساداران مسلحتر راجه‌ها پیوست سرما به داران، رودر روی آنها قرار داده است!

دولت آباد یکی از نمونه‌ها می‌است که مردم پس از قیام می‌آنگه منتظر وعده و وعید های دولت شوند، خود مستقیماً اقدام به مداره، آبارتانه‌های خالی نمودند و در آنها ساکن شدند. اما پس از آن همواره به تنگنای مختلف از طرف دولت تحت فشار قرار گرفته‌اند و لسی تا امروز تسلیم نشده‌اند. آنچه در زیر می‌خوانید نمونه، دیگری از این فشار است.

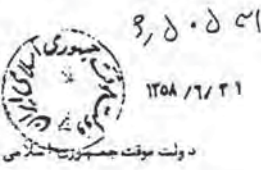
شب ۵۸/۷/۲۲ با ردیگر زوروی رئیس کمیته با چند سادار به یکی از خانه‌های این محله هجوم می‌برند و می‌گویند آنها را تخلیه کنند. مردم از زن و مرد و کودک جمع می‌شوند. زنان با چوب، مردان با مبله، آهنی و بچه‌ها با سنگ از آنها پذیراشی می‌کنند.

مردی می‌گوید: "ما اینجا را با جنگ گرفته ایم، با جنگ هم پس می‌دهیم، و دیگری می‌گوید "ما بدست شما اسلحه دادیم، حالا بروی خود ما می‌کشید؟" مرد دیگری شروع می‌کند به فحش دادن

## داشتن مسکن، حق مسلم زحمتکشان است

### دولت به عناصر سرسپرده ساواک بجای کيفر دستخوش می‌دهد!

سندی که ملاحظه می‌کنید، نشان می‌دهد محسن قریبی زاده در خدمت سازمان جهنمی ساواک بوده است! و بهمین دلیل هم از طرف عدیریت موقت دانشگاه تهران اخراج شده است. اما او امروز چکار می‌کند؟ آیا وی پس از سحاکمه در دادگاه "انقلاب" اکنون در یکی از زندانهای دولت موقت، دوران محکومیتش را سپری می‌کند؟ چه انتظار بیجاشی، دولتی که دکتر سردار بها، حسین پیرخضری ها، بهمین غرضی ها، هرمز کرچی میاشی ها و... را "بمنوان" عد انقلاب" به جوخه آتش صسی - سپارد و دکتر شیخ الاسلام زاده‌ها را به بهانه استفاده از تخصصان از اعدام معاف می‌ساید و در مورد عناصر خاشنی چون مهاجرانی - که مدت‌ها برای رژیم مسز دور پهلوی خوشرومی و تسلیل زمانی کرد - فقط به خلع لباس اکتفا می‌کند، معلوم است با قریبی زاده‌ها چه می‌کند. و چنین است که او یکی از افراد با نفوذ کمسته امام در سنز و سبز سرپرست "جهد سازندگی" آن دیار است. ایشان، در ضمن دبیری دبیر ستانهای "خدمات" مغز را سزیدک می‌کنند! ... هیئت حاکمه اینجتنین به عسمران و آبادی کردستان "همت" گماشته است! اما



دانشگاه تهران

آقای محسن قریبی زاده  
فارغ التحصیل دانشکده ادبیات و علوم انسانی

باتوجه به گزارشهای واصله سرکار معنوزان شیخ شملوه در خدمت سازمان صنعه اطلاعات و امنیت کشور ۱۳۰۷۷ بوده‌اند و این موضوع مورد تأیید شورای تزکیه دانشگاه تهران قرار گرفته لذا بر اساس مصوبات این شورا از این تاریخ رابطه تحصیلی شما با دانشگاه تهران قطع میگردد.

بدیهی است در صورتیکه قبل از این تاریخ از دانشگاه فارغ التحصیل شده باشید ادامه تحصیل شما برای درجه تحصیلی بالاتر در این دانشگاه امکان پذیر نخواهد بود.

مدرستان، سرزمین دلاورانی چون پیرخضری و فراد سلطانی و... برای مدتی طولانی وجود چنین روبهگان و اربابان شان را خشمگین خواهد کرد.

مدرستان

مقیه از صفحه ۲۲ -

### چینش گاوگری

از کارگران، که ما مور انتظامات بودند از در خانه کارگر بالا رفتند و روی دیوار آن ایستادند. آنگاه یکی از نمایندگان خطا به پاسداران مستقر در خانه کارگر گفت: "اگر شما مانستد پاسداران از بی بی بروی ما آتش باز نکنید، ما با شما و همچنین سلاحهایتان هیچ کاری نداریم...". یکی دیگر از نمایندگان گفت: "ما اینجا میمانیم و در خانه کارگر را باز میکنیم، بگذار اگر قرار است کسی کشته شود، ما پیش از همه باشیم". جمعیت به هیجان آمده بود. کارگر اضافه کرد که: "هر کس میخواهد بماند و هر کس میخواهد بیرون، انقلاب ما مانند یک درخت است که با هر روی کارگر آبیاری شده و از این بعد هم با خون او آبیاری میشود...". اگر شاخه‌ای از این درخت کنده شود، مثل اینکه قلب کارگر را کنده‌اند... این سرمایه‌داران دارند گلپای درخت انقلاب را سی-چینند" و آنگاه با اشاره به پاسداران گفت: "کسی را که خودش کارگر است و یا فرزند کارگر است و در روی کارگر قرار میدهند...".

ضربه‌های ساعت به ۲ نزدیک میشد و طبش قلبها بالا میرفت چند دقیقه قبل از ساعت ۳ جمعیت چون کوهی از جا بلند شد. کارگر-ان احساس میکردند قدرتی شده‌اند، جمعیت چنان شمار میداد که دیوار می‌لرزید، قیافه پاسداری که از پنجره ناظر تظاهرات کارگر-ان بود، مانند تصویر در قاب عکس مات بی-رنگ شده بود، انگار از ۳- در دستش در مقابل قدرت جمعیت چوبدستی ای بیش نبود، این بود که وحشت زده به یکی از نمایندگان گفت: "ما با شما کاری نداریم، ما جگر باید بکنیم؟" نماینده گفت اگر شما با ما کاری نداشته باشید، کارگران هم با شما مثل برادر رفتار میکنند. آنگاه روبرو به جمعیت گفت: "دستان، رفا، کسی نباید به پاسداران کوچکترین توهینی بکند، آنها با ما کاری ندارند." لحظه موعود فرا رسید، لحظه ای شوکتی، لحظه تحلی اعجاز هستگی!

### کرج

#### راهپیمایی کارگران سیکار

کارگران سیکار کرج پس از گذشت ۸ ماه همچنان به مبارزه خود ادامه میدهند. آنها روز شنبه ۵۸/۷/۲۱ نهمین منظور دست سیکار راهپیمایی زدند، آنها شعاری دادند: "چنگدیم، خون دادیم، اما هنوز سیکاریم" "سیکاری و گران، ما بودیم با دگرده"، "سیمه سیکاری، پرداخت باید کرد" و... در جلوی فرمانداری، پیش از میانگان کارگران خواستهای خود را برای چندمین بار با فرماندار مطرح کردند. لکن فرماندار صریحاً گفت که در حال حاضر کار وجود ندارد. کارگران روز بروز ستر متقا عد میشوند که رژیم فعلی قادر نیست مثل و مشکلات موجود را حل نماید.

ساعت ۲ بود. نمایندگان از دیوار پائین پریدند و در راه باز کردند. کارگران در حالیکه شعار میدادند و بعضی اشک شوق میریختند سر بلند وارد خانه خود شدند. کارگران احساس میکردند که آلودگی مشکل باشند، چنان نیروی میشوند که دولت مجبور میشود به خواستههای آنها گوش دهد و سرمایه داران آنها را بحساب میآورند. بعد از آنکه جمعیت کمی آرام گرفت، یکی از نمایندگان ابتدا به کارگران تبریک گفت و سپس اضافه کرد: "ما حالا خانه‌ای داریم که میتوانیم در آن با هم صحبت کنیم، ما روزه شنبه (۵۸/۸/۸) ساعت ۹ از خانه خودمان برای گرفتن سایر خواستههایمان به وزارت کار و نخست وزیر میرویم." هدای برای خرید نان و پنیر بیرون رفتند و بقیه ماندند و قرار شد شب بعدی در خانه کارگر بمانند.

کارگر مشکل همه چیز - کارگر برآورد هیچ چیز

(\*) - منظور این کارگر، رضاشهری مدبر عامل سابق شرکت واحد است که به علت اعتراض کارکنان شرکت واحد برکنار می‌شود، اسادر فاصله کوتاهی دوباره به استانداری ما زندران منصوب می‌گردد. اما هنوز ۳ ساعت از انتصاب وی نگذشته بود که خبر صادره، اموال ایشان بعنوان یکی از سرسپردگان رژیم مزدور شاه از طرف دادسرای انقلاب اسلامی اعلام گردید.

در پیکار ۲۲ گفتیم که بداندال بخننا به دولت مبنی بر لغو تعطیلی پنجشنبه‌ها کمیته نمایندگان منتخب کارگران با لایحه آبا دادان طی اعلامیه‌ای اعلام کرد که بخننا به دولت مورد قبولشان نسبت و ساعت کار را مانده گذشته ادامه خواهند داد. پس از آنشا و اعلامیه نمایندگان، کارگران از آن پیروی کردند و طبق معمول سر کار رفتند. دولت فدا انقلابی که اتحاد و بسک - با یکی کارگران را زنگ خطری برای خود میبیند طی بخننا به تلگرافی مورخ ۵۸/۷/۱۵ "ضرورت هماهنگی کارکنان و زارخانه‌ها و از جمله صنعت نفت را کمزور میکند و از کارگران میخواهد که بیشتر کار نکنند. این بخننا به نیز با وجود تلاشهای شرفه افکنانه، انجمن اسلامی بای - توجیهی کارکنان و روبروی خود.

روز چهارشنبه ۵۸/۷/۱۸ ۶۰ نفر از نمایندگان کارگران در اهواز با همین فرملاقات می-کنند. همین فرم به نمایندگان می گویند: "تعطیل پنجشنبه‌ها دستور دولت و امام است و باید اجرا شود." یکی از نمایندگان میگوید: "در گذشته دولت همکاری دلش میخواست می-کرد می گفت شاه فرموده! حالا هم میگویند امام فرموده!" نماینده دیگری میگوید: "ما که نمیتوانیم همکاری دولت میگویند. کسور-گوران قبول کنیم، ما با بدتوجیه شویم."

### تبریز

#### توطئه رژیم در برابر کارگران سیکار

در پی تظاهرات پرشکوه کارگران و دنبله‌های سیکار تبریز که شرح در "پیکار" شماره ۲۴ آمده است، استاندار آذربایجان شرقی اعلامیه‌ای صادر نموده و ضمن اظهار تاسف (!!) از سیکاران دعوت کرده بود که سیکاران برای ثبت نام و کارنامه‌های تعیین شده - مساجد - مراجعه کنند. اینک خبر میرسد که میخواهند وام سیکاری را به مدت ۶ ماه به وسیله کمیته‌ها به کارگران سیکار بدهند.

رژیم حاکم که در برابر مسازات کارگران سیکار مجبور به عقب نشینی شده است، میگوید از راه پرداخت وام سیکاری توسط کمیته‌ها، تشکلات کارگران سیکار را مورد حمله قرار داده و قسمتی از آنها را در خدمت کمیته‌ها قرار دهد و به این صورت تشکلات وابسته به خود (کمیته‌ها) را حتم تر نموده و آنها را در جهت سرکوب زحمتکشان بهتر کارگیرد. تاریخ نشان داده است که جریانات ارتجاعی و فاشیستی همواره از توطئه‌های سیکار استفاده کرده و با مشکل کردن آنها چاقی سرکوبی بر علیه خود زحمتکشان ساخته‌اند. این وظیفه نیروهای آگاه و کارگران مبارز است که با کار افشا - گروانه خود سعی در ایجاد مشکل هر چه فشرده‌تر کارگران سیکار، با این توطئه‌ها مبارزه نمایند.

### نقگران مبارز، در مقابل طرح کار پنجشنبه‌ها،

#### همچنان مقاومت می‌کنند

صمیم فرقه از قاطعیت و مسلط کوبنده نمایندگان یکم خورده بود. منحوی توهین آمیز و بهمهانه \* ملاقات با نمایندگان حفاری عذر نمایندگان با لایحه را می خواهد.

روز دوشنبه ۵۸/۷/۲۲ بخننا به دیگری از طرف وزارت نفت ما در میسود و طی آن کارکنان صنعت نفت را "زیا ده طلبی" و "تافتت جدا بافت" معرفی کرده و در صورت نیا عدن سرکار (پنج - خننه‌ها) تهدیدیه کرد دست ز می‌کنند. این بخننا به چنان خشمگینان را بر می انگیزد که حتی هنا هر مردود و دودل را نیز (که تا این روزه بخننا به دولت عمل میکردند) به عفا اکثریت می رانند.

سه شنبه ۵۸/۷/۲۳ - در این روز وزیر نفت به آبا دادان می‌رود و ساعت ۶/۵ بعد از ظهر در باشگاه آبا دادان در حضور جمعیتی نزدیک به ۱۵۰ نفر مدت یکساعت و نیم سخنرانی میکند که یک ساعت آن صرف خواندن آیه و آوردن حدیث میشود! ایشان پس از کلی با و گوئی و قریب - کاری در رابطه با مسئله با کازی، تخصص را مطرح میکنند و از آن مبری برای ابقا عناصر خائن می‌سازد! در مورد تعطیل پنجشنبه‌ها که هدف اصلی مفرش بود می گوید: "اگر سنا باشد

خبری از فاسترویلر

علیرغم زندان و شکنجه، کارگران به مبارزه خود ادامه می دهند.

اعتصاب کارگران مبارز فاسترویلر برای کسب حقوق خود، همچنان ادامه دارد. در همین حال عوامل کارفرما با پشتیبانی مستقیم دولت و باسداران از هرگونه توطئه‌ای علیه کارگران مبارز شرکت روپگردان نپشتند. حمله ناچواشردانه به نماینده پرشور کارگران در شورای کارخانه (حسن بابادی) و کشتن زدن او بقصد کشتن و همچنین بازداشت کارگر مبارز، اسماعیل امامی بدلیل واگی عضویت در حزب دمکرات، از جمله این توطئه‌هاست. سهمین مناسبت گروهی از کارگران مبارز کارخانه در اعلامیه‌هایی که منتشر کرده‌اند ضمن افشای ماهیت توطئه‌گران کارگران مجتمع صنایع فولاد را به پشتیبانی از آزادی بی-قیدو شرط کارگر اسیر، اسماعیل امامی فرا خوانده‌اند. در اعلامیه مورخ ۵۸/۷/۲۱ کارگران کارخانه خطاب به کارگران مبارز مجتمع صنایع فولاد چنین آمده است:

"اگر امروز، امامی را دستگیر کرده و برای او "پاپوش" درست میکنند، فردا دیگر کارگران مبارز را هم با همین اتهامات واگی دستگیر و محاکمه خواهند کرد. اگر امروز ما جلوی این اقدامات ضد-کارگری نایستیم، اگر توطئه‌های رنگارنگ دولت حامی سرمایه‌داران و کارفرمایان را لو-حفت و مزدوران آنها را افشا نکنیم، مسلماً دیری نخواهد باشد که همچون زمان رژیم شاه خاش هر روز شاهد دستگیری و شکنجه و زندان برادران خود خواهیم بود.

اسماعیل امامی کارگر سبکی‌ها که تنها بخاطر بافتاری روی حواصتهای حق کارگر-ان، دستگیر شده است، احتیاج به پشتیبانی همه ما دارد. پس ضمن مبارزه برای احقاق حق و حقوق خود، با پشتیبانی از اسماعیل امامی آزادی بی قید و شرط او را خواهیم.

بدنبال بازداشت اسماعیل امامی و حمله ناچواشردانه ارتجاع به نماینده مبارز کارگران، حسن بابادی، چند تن دیگر از کارگران مبارز کارخانه دستگیر شدند. با این ترتیب اکنون حسن بابادی، اسماعیل امامی سید ابوالقاسم احمدی، احمد رفان‌نور، جمشیدداقت و خیراله حسن وند همگی در زندان ارتجاع بسر می‌برند. گروهی از کارگران مبارز فاسترویلر در اعلامیه مورخ ۵۸/۷/۲۸ خود ضمن افشای توطئه‌های ارتجاع و ظلم و ستمی که به کارگران روا میشود در این باره خطاب به کارگران مبارز مجتمع فولاد می‌گویند:

محبت کنیم ... و اینکار وظیفه شورا است ...

شما اول نمایندگان واقعی خود را انتخاب کنید! "وی سپس با مظلوم‌نمایی می‌گوید: "اگر گاهی تندی هم کرده‌ایم مهم نیست، اگر حرق با من بود، خدا گواه است ... سخنان جناب وزیر با اعتراض کارگران مواجه شده و بلافاصله یکی از نمایندگان تریبون را در اختیار گرفته و می‌گوید: "حتماً شورا می‌که مورد نظر شماست، شورای کارفرماست، وگرنه ما شورای خود را قبلاً تشکیل داده‌ایم و نمایندگان واقعی هم داریم، همانهایی که به هوا زدند و شما بیوزر آنها را تحویل گرفتید." وی سپس اضافه می‌کند: "قبل از قیام آقای بازرگان به آیدان آمد و ما را انقلابی خواند، حالا که قدرت رسیده شما می‌گویید انقلابی، مگر ما همان آدم‌های دیروز نیستیم؟ چطور حالا ضد انقلابی شدیم؟" کارگران دیگری هم سخن می‌گویند و آنگاه مجدداً جناب وزیر پشت تریبون می‌رود و لوزوم حفظ جمهوری اسلامی را یادآور می‌شود، کسه صحبتها بی‌ش با فریاد و شعار کارگران بصوت "کارگر بی‌وزر است، سرمایه‌دار بنا بود است" قطع میگردد. در این موقع کارگران قطعاً سه چهار ماده‌ای خود را بصورت: "۱- انجمام خواسته‌های صنفی، ۲- پاکسازی واقعی، ۳- برکناری و محاکمه واکچها، ۴- تعطیل پنج-شنبه‌ها"، فراتر میکنند و محل سخنرانی را ترک می‌نمایند.

لازم به تذکرات که در روزهای سه‌شنبه ۵۸/۷/۲۴ و چهارشنبه ۷/۲۵ تقاضای نشانه اعتراض به شوراها می‌فرمایند و طرح کارروزی پنجشنبه از طرف کارگران و دانش-آموزان برپا میشود که مورد حمایت مردم شهر قرار می‌گیرد. بعضی از شعارهای نظر هر کنندگان در دو روز مذکور بصورت زیر است:

"شوراها می‌فرمایند لغت باید گردد" "پنج روز کار در هفته، تصویب باید کرد"، "کارگران ایران متحد شوید"، "کارگران در سندیکا‌های خود متحد شوید"

"۳ آمریکا، دشمن خلق ما می"، "کارگر بی‌وزر است، ارتجاع نابود است" "دولت سرمایه‌دار، دشمن نوع بشر"

اخراج ۴۰ کارآموز در شرکت نفت توسط معین فر در حالیکه بیکاری همچنان مبداد میکند آقای معین فر ۴۰ نفر از کارآموزان ماشین نویسی شرکت نفت را اخراج کرده است. همین مناسبت اخراج شدگان که هفتمین روز تحصن خود را از سر می‌گذرانند ضمن صد و اعلامیه ای (۵۸/۷/۲۸) بدت به سیاستهای ضد انقلابی دولت حمله میکنند. لازم به یادآوری است که کارگران مبارز صنعت نفت نیز از خواسته‌های عادلانه کار-آموزان پشتیبانی کرده‌اند.

مطلبی که از طرف مدیریت اعلام شده، بمسئل خود می‌گویم اجرا نمی‌کنیم، هرج و مرج می‌شود... پس از رفتن معین فر (در حلقه‌ای از افراد مسلح) کارگران به افتخاری میرد از بند یکی از کارگران پشت تریبون رفته و می‌گوید: "... ما تعطیلی پنجشنبه را بقیعت شمسید ۱۰ نفر از همکارانمان در سال ۵۴ و ۲۰ نفر در سال ۵۵ بدست آوردیم، این ساده‌اندیشی است اگر فکر کنیم تعطیلی پنجشنبه‌ها را در شرایط خفقان ساده بدست آورده‌ایم..." همه کارگران حرفهای رفیقشان را تاشد میکنند. کارگر مذکور همچنین اسامی همکاران را که توسط دولت دشمن شده، فرمایند خوانده و می‌گوید: "کارگر و کارفرما، هیچوقت نمیتوانند باهم تفاهم داشته باشند و همیشه رو در روی یکدیگرند. وی سپس به تشریح شوراها می‌فرماید: "شما را با شورا: پنجشنبه‌ها تعطیل است - کارگر بی‌وزر است" ما نگاه را ترک میکنند.

بعد از نزیه نوبت معین فرا است که در مقابل کارگران قرار گیرد و ابقاء عناصر خاش را توجیه کند!

معین فر که فکر کرده بود، برنا سه اش موفقیت آمیز بوده، روز بعد برای "تکمیل" آن به کارگاه مرکزی که نقش عمده‌ای در اعتصابات و مبارزات داشته اند می‌رود، ولی چون میخواهد همان با ووه را تحویل کارگران بدهد از زیر پرده راسخ درست تاشه خالی کند، با وجود داشتن محافظ مسلح، از کارگران کتک خورده و فرار میکند. و به اطافی خسار از محوطه کارگاه پناه می‌برد. در این موقع یکی از نمایندگان کارگران روی ماشین می‌رود و می‌گوید: "این حرکت نشان داد که هیچ چیز نمی‌تواند جلوی خشم کارگران را بگیرد، هر کس می‌آید میخواهد با حرف مارا گول بزند... ما باید بخودمان متکی باشیم، تا وقتی که فقط بهره‌ها عوض میشوند، هیچ شنبیری در زندگی ما موجود نیستی آمد... مادام که نظام عسوس نشود، هیچ فایده‌ای ندارد... آقای معین - فر باید یک بخشنامه مارا از یک روز کس حقوق می - ترمانند، ما دیروز از اینهمه توب و تانک شتر رسیدیم... شما می‌گویید انقلابی، آیا ما همانهایی نیستیم که در انقلاب شرکت داشتیم، چطور امروز عدالت انقلاب شدیم؟ ..."

در این موقع معین فر از نمایندگان میخواهد که ترتیبی داده شود تا کارگران به او اجازه سخنرانی دهند. این کار انجام می‌گردد. معین فر در حالیکه توسط ۴۰ مرد مسلح اسکورت میشد، پشت تریبون می‌رود و بی‌سری چاپلوسی و اشاره به نقش پراهمیت کارگران می‌گوید: "ما باید در محیطی آرام با هم

نان، مسکن، آزادی

## معرفی کتاب

### دو خط متضاد

## در جنبش جهانی اتحادیه‌های کارگری

چاپ تیرانا (آلبانی) ۱۹۷۲

ترجمه از متسن انگلیسی تیرانا ۱۹۷۲ توسط هواداران " سازمان پیکار در راه آزادی طبقه کارگر "

کتاب از شکل گیری طبقه کارگر و پیدایش اولین اتحادیه‌های کارگری شروع کرده و بعد از یک تاریخچه مختصر راجع به ظهور اتحادیه‌های کارگری و سرنوشتشان در کشورهای مختلف به بررسی دو خط مشی متضاد اپورتونیستی و رویزونیستی در خط پرولتری مبارزه طبقاتی میپردازد.

همچنین به بررسی شرایط معینی اجتماعی، اقتصادی ظهور رشد اپورتونیسم و فرمبسم در درون جنبش اتحادیه کارگری و نقض انحصارات و دولتهای سرمایه‌داری در میان آنها و تاثیر انقلاب اکتبر بر این جنبشها می‌پردازد.

در قسمت‌های بعد کتاب راجع به کسب قدرت توسط دارودسته خرگوش‌در خوری و تفهیرات بنیادی ای که در آرایش سیاسی اقتصادی اجتماعی خوری بوجود آمده صحبت کرده و میگوید: " البته اتحادیه‌های کارگری خوری، بمثابة زنجیرهای با اهمیتی در سیستم دیکتاتوری پرولتاریا نیز نمیتوانند از این پروسه تجزیه و انحطاط عمومی برکنار باشند ". و با در جای دیگر " با وجود اینکه سران WFTU و ICFEU (اتحادیه‌های کارگری برهبری خوری و آمریکا) و غیره است به اعمالی در زیر پرچم " همبستگی اتحادیه‌های کارگری " می‌زنند و پروصدای زیادی در باره عدم وابستگی خود به دولت‌هاشان بها میکنند، حقایق ثابت میکنند که آنها چیزی جز آلتی مطیع در دست امپریالیسم آمریکا و سوسال امپریالیسم خوری نبوده و در خدمت سیاستهای همکاری و همزونی طلبانه او ایفادرت هستند، که از هر طریق سعی در مطیع و مغلوب کردن جنبش اتحادیه‌های کارگری دارند " و در نتایج کلی میگوید: " در میان مفوق جنبش ملی و بین‌المللی اتحادیه کارگری دو خط مشی متضاد وجود دارد که منافع آنتاگونیستی بورژوازی و پرولتاریا را بیان میکنند. مسئله این دو خط در جنبش جهانی اتحادیه‌های کارگری به قدمت خود جنبش است و تا زمانی که طبقات آنتاگونیستی و مبارزه طبقاتی وجود دارد، ادامه خواهد داشت "

(به این دلیل که ثوراموقع دادن امانه دستمزد مطابق بختنامه اداره کار عملی نکرده است) اجرای قرارداد امانه تولید متوقف شد. و ایندقیقتاً بمعنای کم شدن روزانه حداقل ۲۵۰ رمال از دریافت کارگران بود. این حرکات خیلی زود ماهیت کارفرمای جدید را برای کارگران روشن کرد و زمزمه‌های جدید را مگر شورای کارگران را دولت استان - دار انتخاب کرده بود که بخواهند منحل اعلام نمایند و...

طولی نگذشت که کارگران برای دست یافتن به حقوق از دست رفته خود خواستار انتخابات برای شورای جدید شدند. در این خواسته مدیریت کارخانه با کارگران همدا شد چرا که آنها نیز خواستار ثورا بودند. (۱) منتها شورایی که ابزارکار آنها باشند و به این ترتیب انتخابات برگزار شد. در این انتخابات آقای اکبرپور از شورای ماشین - سازی بعنوان نماینده کارگران برای تشکیل شورای مرکزی آذربایجان خنتر داشت معلوم نیست کدام کارگروا را به این سمت انتخاب کرده است. ولی آنچه که مسلم است میخواد - هند توسط این مزدور ثوراها دست آسوز دولت و سرمایه داران را در شیریز و... راه میبندازند.

در شورای جدید تقریباً همان اعضای شورای قبلی انتخاب شدند با این تفاوت که این بار از میان سر کارگران شمال ترین نماینده انتخاب شد. با وجود اینکه اکثریت اعضای ثورا را نمایندگان واقعی کارگران تشکیل میدهند اما هنوز جای این سوال باقی است که آیا ثورا در نهایت در جهت منافع چه کسای عمل خواهد کرد؟ کارفرمای جدید سرکارگران یا کارگران؟

منحکم ساد اتحاد کارگران!

(۱) "...از سوی دیگر کم کاری در برخی از کارخانه ها چشم میخورد که از سوی دادگاه انقلاب و استانداری، نماینده اعزام شد تا با تشکیل شورای کارگری این واحدهای تولیدی اداره شوند."

از سخنان رئیس دادگاه انقلاب تبریز در کپهان ۱۵ مهر مقرر است علت اینگونه دولتبان و وابستگانشان اینک دیگر از ثورا حمایت میکنند معلوم است. سرکوب زحمتکشان بدست خود زحمتکشان.

### شیر نشتر

#### توسط ارتجاع در برابر انقلابیون

نیمه شب یکشنبه ۵۸/۲/۱۵ اتوموبیل یکی از کارکنان اخراجی شرکت کشت و صنعت گارون توسط عوامل ارتجاع به آتش کشیده میشود. وی جندی پیش بجم " اغتشاش " و "براه انداختن اعضا" در شرکت، به همراه ۳۸ تن از افراد سا زردیکر توسط کمیته انقلاب اسلامی دزفول دستگیر گردیده و پس از ۳ روز زداشت ضمن سپردن ضمانتی به مبلغ ۵۰۰/۰۰۰ رمال و شهیدکشی مبتنی بر عدم خروج از منطقه آزاد شده بود.

بقیه از صفحه ۲۲

" امروز برادران کارگرما در زندان چشم براه پشتیبانی ما هستند. آنها نه پول دارند و نه پارسی آنها به تنها چیزی که فکر میکنند حمایت و پشتیبانی ما است پس با افتای ماهیت دستگیر کنندگان برادران و دوستانمان، با درخواست آزادی بدون قيد و شرط آنها و با درخواست متوقف کردن موج دستگیری کارگران شرافتمند و مبارز جلوشها جو و جنبانه رژیمها کمراه کارگران به - گیریم و با یافتاری روی خواسته های بحق خود نشان دهیم که مبارزه ما که جزئی از طبقه کارگر ایران منقسم تا پیروزی ادامه خواهد داشت. "

کارگر زندانی آزاد یا بیدگردد!

## ضمیمه محلی پیکار

کمیته آذربایجان سازمان ما اقدام به انتشار نشریه محلی پیکار نموده است. که در اولین شماره آن ضمیمه محلی پیکار ۲۴ اخبار و گزارشاتی از مبارزات کارگران و دهقانان و دانش آموزان درج شده است. خواه شما را به یک گزارش کارگری از نشریه مذکور جلب می‌کنیم:

### تبریز - کبریت توکلی

بعد از اینکه شورای قبلی بدلیل کار شکنی های کارفرمایان و اندر کارگران و دولت نتوانست مواد اولیه کارخانه را از کمسک ترخیص کند، کارخانه عملاً از کار افتاد. در حالیکه ثورا خواستند مشکلترین مرحله تولید تهیه مواد اولیه، تهیه پول را مورمالی را مرتفع کند، منتها ندان اجازه ترخیص از طرف دولت بود که برای ثورا ادامه کار را ناممکن ساخت. تا اینکه ثورا دولت را مجبور کرد کارخانه را در اختیار حسود گرفته و رأی اداره کند و موفق شد بدست منتخبد دولت، وارد کارخانه شد دیگر عملاً ثورا منحل شده بود و رسماً اعضای ثورا را به استناداری خواسته و در آجا به آنها گفته بودند. " شما از این تاریخ منحل شده اید " در این باره نه نمایندگان ثورا اعتراضی کرده بودند و نه کارگران. و مثل آن عمارت بود ند از آنکه ثورا با وجود حرکت های مثبت دچار چپ روی شده و تولید را بدست خود گرفت و عملاً در برابر کارگران به عنوان مدیریت ترار گرفت دیگر اینکه تبلیغات و اقدامات کارفرما بر علیه ثورا از بدو تا پس آن و همچنین سخنانی و کار شکنی مانند سرکارگران که ثورا را محالست اعتبارات سناحی صاحب شده، خود می دیدند عده ای از کارگران را اعقال و سا خود همسراه کرده بودند. اولی اقدامات کارفرمای جدید (دولت و مدیریت منقسم) با حمله بدست آوردهای شورای کارگران شروع شد. ثورا منحل شد بلافاصله کارفرما اعلام کرد که باید روزهای پنجشنبه را نیز کار کنند روزانه ۳۰ رمال از دستمزد کارگران کسر گردید



# جنبش کارگری

## کارگران مبارز افشاء می کنند:

اهداف دولت سرمایه داری بازرگان از کار اجباری پنجشنبه ها

۱ - کم کردن فاصله زمانی چهار روز وقفه در روابط ایران با کشورهای امپریالیستی ( پنجشنبه و جمعه تعطیلات هفتگی در ایران و شنبه و یکشنبه تعطیلات هفتگی در کشور - های غربی) که با توجه به روابط نامتعادلی و غارتگرانه امپریالیستی، هدفی جز خدمت به امپریالیستها در آن مستتر نیست. (شوخه کنسید که رژیم غارتگر شاه در صدد پاره کردن این طرح مزدورانه بود ولی با مخالفت مردم روبرو شد اما حالا جاننشینان ایسین طرح را از میانگاشی شاه سپیرون آورده و در صدد اجرایش برآمده اند).

۲ - ایجاد زمینه تا در موقعیت مناسب از نظر اقتصادی و اجتماعی، به یکی از دستاوردهای مهم کارگران یعنی ۴۰ ساعت کار در هفته که با مبارزات پیگیر و خونین به دست آورده اند هجوم آورده و آنرا با زبس گیری، تشدید استعمار کارگران و کمارتد و جزا استفاده از آژان در پنجشنبه ها بجای ساعات آخر روز کار که معمولاً خسته و بی رمق هستند.

۳ - محدود کردن وقت آزاد کارگران و کاورتد آن جزا در روز تعطیل بی دربی (پنجشنبه و جمعه) که آنرا میتوانند به سبب مسائل اجتماعی و سیاسی بر سرند همینطور منحرف کردن آنرا از دنبال کردن خواسته های به حق خود به اصطلاح "دست پش گریخته که پس خورند"

۴ - ولی اگر رژیم غارتگر و جلاد شاه از ایسین طرحهای امپریالیستی که مستتر آن آمریکای ابراشیلی عراقی می ریخته طرفی مبت ایسین حضرات نوبی که منته اندیش هم خوانند نیست. گروهی از کارگران عیارز پالایشگاه آبپدان  
۵۸/۲/۲۶

بدانشگاه نزدیک میشد و اینو متر میگشت. صف بهکاران بها پیوستن دانش آموزان و دانشجویان هر لحظه طولانی تر میشد. روسروی دانشگاه تهران حدود ۲۰ نفر بالا نوبه صف تظا هر کنندگان حمله کردند و حتی کارگری را هم زخمی نمودند. اما وقتی با روحیه تهاجمی کارگران روبرو شدند، از صحنه گریختند. ساعت ۱ تظا هر کنندگان در حالیکه تعدادشان نزدیک به سه هزار نفر بود به خانه کارگر رسیدند و روی زمین نشستند در این موقع نمایندگان کارگران همراه با چند نفر بقبه در صفحه ۲۱

## کارگران با قدرت همبستگی خود، بار دیگر "خانه کارگر" را

به تصرف در آوردند.

### گزارشی از تصرف خانه کارگر

جوابی بها داده نشده... در قسمتی دیگر از قطعنامه و در رابطه با خانه کارگر گفته شد: "اگر تا ساعت ۳ بعد از ظهر، خانه کارگر در اختیار کارگران گذاشته نشود، خود کارگران آنرا تصرف میکنند." کارگران با کف زدن ابراز احساسات کردند.

یکی از نمایندگان کارگران قطعنامه را پیش وزیر کار برد. پس از صحبتهای چند تن از نمایندگان کارگران، کارگری از نورد اهواز پشت میکروفون آمد و پس از شرح دستگیری و زندان و اخراجش توسط مدنی، در حالیکه اسنادی را به جمعیت نشان میداد گفت: "این لیست حقوق مدیر کارخانه است که از طرف دولت منصوب شده و داده ماد یکی از همین آیت الله هاست. حقوق او هجده هزار تومان است و با ۵۳۰۰ تومان جزاییش رو بسم ۲۳۳۰۰ تومان میشود. این حقوق یک مدیر است و همانهایی که حالا اسلامی شده اند و ریش گذاشته اند. ما باید دست در دست هم طبع سرمایه داران بها خیزیم..."

در این روز کارگران بیکار کرد با لباسی محلی خود در اجتماع کارگران شرکت کرده و با پلاکاردی که همراه داشتند پشتیبانی خود را از کارگران بیکار تهران اعلام کردند حدود ساعت ۱۱ نمایندگان کارگران برگشتند که: "جوابهای اینها همان جوابهای گذشته است و گفتند تا ساعت ۳ به شما جواب می دهیم." ساعت ۱۲ جمعیت، چون سلی خروشان در حالیکه چند تن از کارگران انتظار مات را بعهده داشتند، زنجیر گرفته بطرف خانه کارگر حرکت کرد. بعضی از شعارهای آنها عبارت بود از: "استخدام کارگر جها د سازندگیت"، "کارگران بیکار، سرمایه دار بی طره هرگز بها هم یکی نیست"، "سند یکی واقعی در خانه کارگر ایجاد باید گسرد"، "کارگر انزلی شهادت مارک"، "مستار خارجی اخراج باید گسرد". جمعیت هر چه

روز شنبه ۵/۸/۵۸ حدود ساعت ۱۰ صبح طبق برنامه قلی و برای چندین بار نزدیک به ۱۵۰۰ نفر از کارگران و دیلمه های بیکار مقابل وزارت کار اجتماع کرده بودند. در این موقع یکی از نمایندگان کارگران پشت میکروفون رفت و ملی سخنانی گفت: "من یک بار دیگر خواستهایمان را که دولت هم آنها را حق ما میداند ولی بها نمیدهد میگویم. اگر میگوید کار در آستین ندارید پس بها این خواستهایمان جواب دهید:

- ۱ - ما خواهان پرداخت حق بیمه بیکاری به همه بیکاران (چه دفترچه بیمه داشته باشند و چه نداشته باشند) هستیم.
- ۲ - ما خواهان دفترچه بیمه بهداشتی برای همه (چه بیکار و چه شاغل) هستیم.

۳ - ما خواهان آزادی خانه کارگر هستیم. سهم یک نفر دیگر از نمایندگان بیکار میکروفون رفت و ضمن سخنانش گفت: "... این دولت با اصطلاح "ملی" هم مانند دولت شاه خائن فقط در حرف حامی زحمتکشان است. ما در عمل چه دیدیم؟ اینها حتی آب و برق و اتوبوسی را که وعده دادند چانی کنند، نکردند! بها میگویند بعد از هر انقلابی گرسنگی هست. اما من میپرسم چرا فقط زحمتکشان باید گرسنگی بکشند! چرا سرمایه دار نباید گرسنگی بکشد! مگر لیست ساواکها دست دولت نیست؟ جمعیت: چرا هست! - پس چرا یک ساواکی (؟) تا مقام استانداری صعود میکند؟ آنها بازرگان اینها را نمیداند؟ کارگران: چرا، میدانم... این دولت اگر تا صبح هم بگوید مرگ بر آمریکا هیچ فایده ای ندارد باید در مجلس ثابت کند مخالف آمریکاست..."

ساعت ۱۰/۵ قطعنامه کارگران بیکار که مضمون قسمتهای آنرا در زیر ملاحظه می کنید، خوانده شد. "بنام خدا و بنام همه مبارزان راه آزادی طبقه کارگر، ما دو ماه است که مقابل ایسین اداره ضد کارگری جمع میشویم، اما هنوز هیچ

# پیش بسوی ایجاد حزب طبقه کارگر